

فدراسیون یهودیان ایرانی

نشره  
شوفار  
SHOFAR

# Iranian Jewish Federation

سال اول - شماره ۱۰ - بهمن ۱۳۶۱ - فوریه ۱۹۸۳ - شواط ۵۷۴۳

## اندوه غربت

قهرمان



زغربت هیچ نگشاید، مراسیروطن خوشتر  
قفس گر پرشود از گل، چمن خوشتر چمن خوشتر  
نگویم آسمان آبی اینجادلکش نیست  
ولی ماراهوای ابردلگیروطن خوشتر  
بهارآید پسند آنراکه دارد خاطر خرم  
چنین غمگین که من هستم خزان در چشم من خوشتر  
دلیم درسینه میرقصد چوبویی از دیار آید  
ولی دیدار یوسف از نسیم پیرهن خوشتر  
چو دلسوزی ندارم تابگویم در ددل باو  
بسوزد گرزبان مانند شمعم در دهن خوشتر  
نباشد این قفش را وسعت فریاد ما ایدل  
فغان بلبل شوریده در صحن چمن خوشتر





**FARD INC.**  
General Contractors  
Developers

# شرکت ساختمانی فرد

اطمینان - تجربه - نازلترین قیمت - مدت تحویل  
چهار اصل غیرقابل رقابت در شرکت "فرد" میباشد



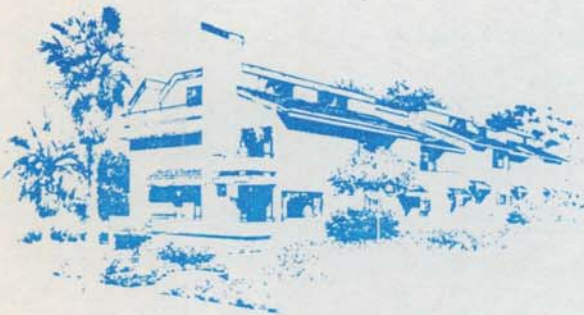
فعالترین شرکت ساختمانی ایرانی در کالیفرنیا

با همکاری مهندسين با سابقه ایرانی و  
همکاران امریکائی

Cal State Lic # 396212

**Remodeling  
Residential - Commercial**

مشاوره و برآورد اولیه در محل  
مجانی است



- تعمیرات و نوسازی ساختمانهای مسکونی و تجاری
- برآورد، طرح و محاسبات اقتصادی پروژه
- هماهنگی امور طراحی، آرشیکت، مهندسی و تفکیک
- اخذ وام و پروانه‌های مختلف ساختمانی
- تشکیل پروژه‌های سرمایه‌گذاری ساختمانی
- اجرای کامل پروژه‌های ساختمانی
- طرح و نصب انواع DECK

**(213)828-0750**

1150 Yale Street, #3  
Santa Monica, Ca 90403





## آزادی بیان یا هرزه درایی

## SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730  
(213) 655-7731

### شوفار

سال اول - شماره ۱۰

بهمن ۱۳۶۱

فوریه ۱۹۸۳

● شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ماعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

سردبیر: هماسرشار  
مدیراداری: الیاس اسحاقیان  
مشاورفنی و هنری: کامران خاورانی

### باهمکاری شورای نویسندگان

● نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

● مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

● نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

### بهای درج یک نوبت آگهی

۱/۱ صفحه	۵۰ دلار
۱/۲ صفحه	۸۵ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۴ صفحه	۱۵۰ دلار
یک صفحه کامل	۲۵۰ دلار
پشت جلد	۳۵۰ دلار

مهلت قبول آگهی برای درج در شماره آینده نشریه حداکثر تا ۱۵ فوریه ۱۹۸۳ است.

مسئول آگهی ها:

شرکت کتاب

۷۸۹-۰۵۵۸



زمان زیادی نیست که ما ایرانیها، در اثر دگرگونیهای اخیر، روش ها و شیوه های راتجربه می کنیم که برای همه تازگی دارد. قرنهادراتر جبر زمان و در طول تاریخ، با وجود سیستم حکومتی خاص حاکم بر سر نوشت مان هرگز این فرصت رانیافته بودیم که راحت و آسوده نظرم ان را بگوئیم و حرف دل خود را به گوش دیگران برسانیم. نتوانستیم و یا نخواستیم با دیگران روراست باشیم. کنایه و اشاره و استعاره پایه های اصلی فرهنگ و ادبیاتمان را تشکیل می داد. هرآنکه سر بسته تر و سربه مهر تر سخن می گفت و از اشارات و کنایات بیشتری سود می برد آگاه تر و لاجرم روشنفکر تر جلوه می کرد و دیگران برایش احترامی خاص قائل می شدند.

امایک روز ما گفتند آزادی (به راست یابہ دروغ بماند) بگوئید، حرف دل تان را بنویسید، داد و هواری بکشید، انتقاد کنید، شعار بدهید. به نویسندگان که سالها از شکسته شدن قلم فریادشان به آسمان بود افق های روشن را نوید دادند، به دانشجویان فرصت افشگری دادند و به مردم وظیفه مهم لودادن خیانکاران را محول کردند. گروهی باورشان شد و سر خود را در این راه از دست دادند. گروه دیگری که این حرفها را باور نداشتند، یا از آخر واقعتش می ترسیدند و احیاناً آینده نگری و احتیاط مسائل بسیاری را برایشان روشن میکرد کوچ کردند و به دایردیگر رفتند. شاید می خواستند این آزادی و دهمکراسی را در جای دیگر و یا کشور دیگری تجربه کنند.

ما غربت زدگان امریکانشین هم به این گوشه دنیا پناه آوردیم. یکی دو سال گنج و مبهوت از ضربتی که خورده بودیم ساکت و خاموش برجای نشستیم و نظاره کردیم. در دل ایراد گرفتیم، انتقاد کردیم، فحش دادیم، حرف دل مان را در گوشه ای به اطرافیان خود گفتیم. سپس، آهسته آهسته و کم کم چون بچه هایی که می خواهند کار خلاق و بیامنعونی را آزمایش کنند صدایمان را بلند کردیم. اول از دور و بی هاشروع کردیم و بنای انتقاد را گذاشتیم. دیدیم دل گروهی را خنک کردیم، تند تر شدیم: بدویره گفتن را آغاز کردیم، دیدیم ایرادی ندارد، طرف با ساکت می نشیند و یا احتمالاً جواب ما را با همان رویه می دهد، پس شاخ و شانه کشیدیم. کار را خیلی سریع به فحاشی و هتاک رساندیم. هر کدام بقول معروف یک طرف جوی ایستادیم و دیگری را مورد عنایت قرار دادیم. این رویه هنگامی تاسف بار و فاجعه آمیز شد که با دیگران اصلی و سرمدارانش گروه با اصطلاح برجسته جامعه و با اصطلاح روشنفکر ما شدند: همانهایی که نام بسیار والا و پر ارزش روزنامه نگار، نویسنده و دست اندر کار وسایل ارتباط جمعی را با آنهمه بار سنگین مسوولیت و رسالت اجتماعی و اخلاقی یدک می کشیدند، کسانی که در پس اعتبار روزنامه نگار راستین تکیه برجای زدند که از آن آنها بود.

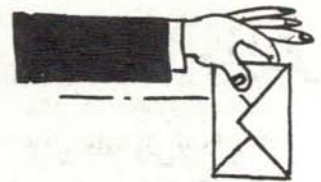
باین ترتیب هر روز شاهد چوب خوردن و تنبیه شدن یک نفر یا یک گروه بوسیله دیگران شدیم. متعجب و حیران برجامانیدیم که این دیگر چگونه بازی نامردانه است؟ آیا این همان آزادی است که گمان می کردیم چون «خرما بر نخیل است و دست ما کوتاه»؟ و یا چون «سیمخ در پشت کوه قاف است و پای رسیدن مانا توان»؟ این بود همان آزادی بیان و قلم که می خواستیم؟ یا لعجب!...  
آنگاه می دانید چه اتفاقی افتاد؟ در نهایت تاسف باورمان شد که بله این همان آزادی است. پسر نوجوان من تصور کرد این همان آزادی است، دختر دانشجوی همسایه مان گمان برد این همان آزادی است و آن موجود بی مغز هم خیال کرد این همان آزادی است. بنا گویان در فرهنگ لغات ماد و واژه مترادف هم وهم معنای یکدیگر شدند: در مقابل آزادی بیان ترکیب هرزه درایی را گذاشتیم و چهار نعل تاخیم. سخن گوشتیم و گفتیم: «ما هم بازی!» به زمین وزمان، بزرگ و کوچک، دوست و بیگانه، رهبر و خدمتگزار بدویره گفتن را آغاز کردیم. هر جا فرصتی یافتیم، جمعی را دور هم دیدیم و با بلند گویی و تریبونی دستمان دادند عقده های دیرینه سکوت کردن و حرف نزنن هایمان چون دمل های چرکین سر باز کرد، فرگونه از جا جستیم و هر که را جلوی چشم خود دیدیم و یا نامش را شنیدیم با چوب نهمت و فحاشی از خود زنجیده خاطر ساختیم تا از این گذرگاه کسب حیثیتی کنیم و سری میان سرهادر آوریم.

شنوندگان سخنانمان نیز، از آنجا که ماملتی هیجانی هستیم اول بر ایمان «کف مرتب» زدند و تشویقمان کردند، جری تر شدیم و بادی به غیغ انداختیم، راست و دروغ بهم بافتیم و تحویلشان دادیم. ولی متاسفانه یک نکته را فراموش کردیم: هیجان ما مردم نمی است، تعریف و تمجید ها هم حاکی از همان عقده های سرکوفته است که حالا داریم تجلی اش را بنوعی در دیگری می بینیم. غافل از آن که این هیجان ها خیلی زود فروکش می کند و آرام می شود و بلافاصله نوعی تانر و عصیانیت جانشین آن می گردد. این جریان بارها در تاریخ ثابت شده است. همانهایی که کف مرتب می زنند خود معارض شخص هتاک می شوند و از اطرافش پراکنده و دور می گردند. آنگاه علی میماند و حوضش و آب رویی که خود به دست خود از خویش برد کرده است.

خوشبختانه ما ایرانیها گرچه افرادی هیجانی هستیم ولی هشیار هم هستیم. خدا کند این هشیاری را چون بسیاری صفات خوب دیگر که داشتیم ازمانگیرند. دعا کنیم که این هشیاری همیشه باقی بماند چون: «یک نفر را می توان همیشه فریب داد، همه را میتوان یک بار فریب داد ولی همه را نمیشود برای همیشه فریفت.»

ه -





کاندیدها که شامل ۳۴ کاندیدای عضویت در هیأت مدیره و هفت کاندیدای عضویت در هیأت بازرسی بود، نمایندگان منتخب خود را برگزیدند.

اسامی کاندیداهای عضویت هیأت مدیره به ترتیب حروف الفباء قرار زیر بود:

- ۱- دکتر شیرزاد ابراهیمیان.
- ۲- مهندس عنایت الله ابریشمی
- ۳- دکتر پرویز اخوت
- ۴- الیاس اسحاقیان
- ۵- دکتر سلیمان آقایی
- ۶- دکتر باروخ بروخیم
- ۷- دکتر کامران بروخیم
- ۸- ابرج پورراتیان
- ۹- کوروش چمن
- ۱۰- یورام حاسید
- ۱۱- اشرف حاجی الیاس
- ۱۲- مهندس بنایاهو خلیل منش
- ۱۳- مهندس بیژن خلیلی
- ۱۴- روبن دخانیان
- ۱۵- سلیمان رستگار
- ۱۶- هوشنگ زاخور
- ۱۷- عبدالله زرگریان

## گزارش اولین مجمع عمومی و انتخابات فدراسیون یهودیان ایرانی

حاجام نتن الی افتتاح شد و پس از خواندن سرود «ای ایران» و «هتیکوا» به پاس خدمات ارزنده چهارتن از خدمتگزاران جامعه مرحوم حاج حبیب القانیان، مرحوم موسی کرمانیان، مرحوم یوسف کهن و مرحوم ابراهیم موره که طی چندسال اخیر فوت کرده اند یک دقیقه سکوت اعلام شد.

بلافاصله هیأت شش نفره نظار به پیشنهاد و رأی اکثریت حاضران در جلسه باین ترتیب انتخاب گردیدند:

آقای نجات الله گبای، رئیس  
آقایان مهندس پرویز شایان و شکرالله شناسا، نواب رئیس  
آقایان دکتر روبن معنوی و جاوید شالم، ناظران

آقای سهراب رستمیان منشی  
در این هنگام دکتر حشمت الله کرمانشاهیچی رئیس شورای موقت فدراسیون گزارش فعالیت های دوساله گذشته این سازمان را به سمع حاضران رساند و در پی آن دکتر سلیمان آقایی مسؤول امور مالی فدراسیون گزارش مالی را قرائت کرد. پس از تصویب این دو گزارش رأی گیری در ساعت پنج و سی دقیقه بعد از ظهر آغاز شد و تا ساعت هفت ادامه یافت. حاضران در جلسه از بین صورت اسامی

بدنبال بخش اطلاعیه فدراسیون یهودیان ایرانی در روز ۲۷ سپتامبر ۱۹۸۲ در کنیساها و دعوت عام برای شرکت در انتخابات این فدراسیون، کمیته برگزاری انتخابات با تشکیل شش سمینار بررسی مسائل اجتماعی و سخنرانی های متعدد وظیفه آگاهی دادن به مردم را بعهده گرفت. ظرف چهار ماه گذشته تعداد سی و چهارتن از افراد جامعه خود را برای عضویت در هیأت مدیره فدراسیون یهودیان ایرانی کاندیدا کردند و تعداد ۷ تن نیز برای عضویت هیأت بازرسی اعلام نامزدی کردند.

در پی دعوت کتبی مندرج در شوفار ماه گذشته و همچنین بخش اطلاعیه از طریق رادیو و تلویزیونها، اولین مجمع عمومی و بدنبال آن انتخابات هیأت مدیره و بازرسی در روز یکشنبه ۲۳ ژانویه ۱۹۸۳ ساعت ۴ بعد از ظهر در محل زیگلهال کنیسه ای سانی تشکیل شد.

در این جلسه در حدود هزارتن از علاقه مندان حضور داشتند که از میان آنها هشتصد و هفتاد و شش نفر در رأی گیری شرکت کردند و با گرفتن کارت الکتروال و صورت اسامی کاندیدها رأی خود را به صندوق هاریختند. جلسه مجمع عمومی با ریاست سنی

- ۱۸- توباسومخ
- ۱۹- مرادشادپور
- ۲۰- راب داوید شوفت
- ۲۱- فورانس صدق
- ۲۲- فریدون فرید
- ۲۳- مهندس داوید قاطان
- ۲۴- الیاهو قدسیان
- ۲۵- صمد کشفی
- ۲۶- موسی کهن زاده
- ۲۷- بیژن ماقن
- ۲۸- عبدالله مقوم
- ۲۹- ربای روبن ملکان
- ۳۰- پرویز نظریان
- ۳۱- مسعود هارونیان
- ۳۲- راشل یاسیان (میکائیل)
- ۳۳- ملیحه یاشار (کامروا)
- ۳۴- پروانه یوسف زاده

اسامی کاندیداهای عضویت هیأت بازرسی نیز به قرار زیر بود:

- ۱- جمشید بخرد
- ۲- دکتر جلال دوستان
- ۳- دکتر رحمت الله دلجانی
- ۴- دکتر یوسف روانشناس
- ۵- ایزک سلوکی
- ۶- دکتر داوید فروزان پور
- ۷- دکتر نگاران



بانوی سالخورده ای احتیاج  
به یک خانم یادشیزه جهت زندگی  
مشترک در منزل ایشان  
«در منطقه ولی» دارد.  
(۲۱۳) ۳۴۲-۹۶۰۱



## فتوآسیا

عکس، فیلمبرداری و تهیه  
ویدئو  
به طریقه استریوفونیک

تلفن: ۳۳۳۳-۶۵۴ (۲۱۳)

## דפית

انجام همه گونه خدمات  
طرح و چاپ

بزبان عبری وانگلیسی ازقبیل:

سرنامه، مهر، کارت ویزیت،  
کارت عروسی، لوگو، دعوتنامه،  
پاکت و آگهی تبلیغاتی.

DAPEI ZAHAV

ناشر دفتر تلفن اسرائیلی در جنوب کالیفرنیا

نازلترین قیمت و در اسرع وقت

DAPEI ZAHAV  
(213) 789-9902

ملیحه یاشار (کامروا)  
دکتر شیرزاد ابراهیمیان  
مهندس داوید قاطان  
صمد کشفی  
پنج نفراعضای هیأت بازرسی:  
دکتر رحمت الله دلجانی  
دکتر جلال دوستان  
دکتر داوید فروزان پور  
دکتر یوسف روانشناس  
جمشید بخرد  
ودون اعضا علی البدل:  
دکتر نگاران  
ایزک سلوکی

اولین جلسه هیأت مدیره  
جدید روز چهارشنبه ۲۶ ژانویه ساعت ۵  
بعد از ظهر در محل فدراسیون تشکیل شد و بدین  
ترتیب هیأت مدیره جدید کار خود را آغاز کرد.  
با آرزوی موفقیت و پیروزی برای این گروه  
امیدواریم هر چه زودتر شاهد نتایج مثبت  
و پر بار فعالیت های آنان باشیم.

در انتخابات داخلی هیأت رئیسه آقای  
دکتر سلیمان آقایی به سمت رئیس و آقایان  
سلیمان رستگار و مسعود هارونیان به سمت  
نواب رئیس برگزیده شدند. انتخاب خزانه  
دار و منشی هیأت رئیسه به جلسه بعد موکول  
شد.

در ساعت هفت بعد از ظهر پس از اتمام رأی  
گیری، خواندن و شمارش آرا در بخش حوزه  
شمارش آرا آغاز شد. در هر حوزه یک  
نفر از اعضای هیأت نظار و پنج نفر از دستیاران  
داوطلب به خواندن آرا و شمارش آن هاشغول  
شدند.

سی دقیقه پس از نیمه شب یکشنبه هیأت  
نظارا سامی انتخاب شدگان را بدین ترتیب  
اعلام کرد:

پانزده نفراعضای اصلی هیأت مدیره:

راب داوید شوفط

عبدالله زرگریان

دکتر باروخ بروخیم

پروانه یوسف زاده

الیاس اسحاقیان

دکتر سلیمان آقایی

دکتر پرویز اخوت

عبدالله مقوم

مسعود هارونیان

روبن دخانیان

سلیمان رستگار

مهندس عنایت الله ابریشمی

پرویز نظریان

دکتر کامران بروخیم

بیژن ماقن

پنج نفراعضای علی البدل:

مهندس بیژن خلیلی

## تشکر از دوستان جوانی که در انتخابات

### ماریاری کردند



در روز انتخابات، نظم و ترتیب جلسه، سرعت عمل و برنامه ریزی برای انجام مراحل مختلف  
رأی گیری، از ابتدای آنها، مورد توجه خاص همه شرکت کنندگان قرار گرفت. قسمت اعظم  
زحمات این برنامه را دوستان جوان و فعال ما بعهده داشتند که با دقت و صرف وقت گرانبهای  
خود ماریاری کردند تا انتخابات به بهترین وجه انجام پذیرد. این دوستان جوان ثابت کردند که  
انجام کارهای گروهی بدون حضور آنها و نیروی فعال و خلاقه شان امری بسیار مشکل است  
و وجودشان چه گنجینه گرانبهای برای جامعه ماست. بدینوسیله از زحمات یکایک این دوستان  
قدر دانی می کنیم:

دختر خانم ها: شهلا مسرت - گیلداد خانیان - لوئیز کهن - نیاز بخشیان - کارول سوfer -  
مژگان آبسلت - تانیا خلیلی. همچنین مژگان رفائیل زاده و دیانادرویش از سازمان هیلل ایرانیان.  
آقایان: شهرام شادروز - فرامرزیوسف زاده - فرهاد یوسف زاده - سپهر سرشار - هومن  
سرشار - فریبرز بی بی یان - فرزاد بی بی یان - سعید حکیمیان - ژاک ماقن - الی ماقن -  
هوشنگ کهن - هوتن کامران. همچنین موریس رفیع و بهزاد کهن از سازمان هیلل ایرانیان.  
از دوست یادوستان جوانی نیز که با مامهمکاری کردند و نامشان بعلت فراموشی از قلم افتاده است  
تقاضا می کنیم با دفتر شوفار تماس بگیرند تا در فرصت دیگر نام آنها را ذکر کنیم.

\*\*\*

از آقای رحیم رحیمی نگار دوست عزیز و خوشنویس ما و همسر محترمشان خانم فروزنده رحیمی  
نگار نیز که در امر تهیه و نوشتن پلاکاردها و تابلوها زحمت کشیدند صمیمانه تشکر می کنیم.



## دکتر فریدون نیسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,  
L.A., Ca. 90025

تقاطع سانتامونیکا کوچک و بورلی گلن

**(213) 557-1704**

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

## دکتر ایزک یافائی

ISAC YAFAI, D.D.S.

دندانپزشک



با ۱۲ سال سابقه

مطب واقع در ولی

16661 Ventura Blvd. Suite 215  
Encino, Ca. 91436

**Tel: (213) 906-8343**

«بیمه های درمانی پذیرفته میشود»

## دکتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd. Suite 1110  
(Westwood Medical Plaza)  
Los Angeles, Ca. 90024  
Tel: (213) 824-0049

## دکتر کمال متیان



دندانپزشک

K. MATIAN, D.D.S.

باسابقه کارازسال ۱۹۶۹

افتتاح مطب جدید خود در ناحیه ولی -  
تارزانا به اطلاع می رساند.

19458 Ventura Blvd.  
Tarzana, Ca. 91356

**Tel: (213) 708-1060**

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

## دکتر جهانگیر جانفزا



متخصص در کایروپراکتیک

- طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،  
گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی  
از تصادفات اتومبیل و سایر حوادث  
بدون تجویز دارو.

بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611  
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۵۹-۸۴۹۴ (۲۱۳)

15301 Ventura Blvd. Suite 300  
Sherman Oaks, Ca. 91403  
Tel: (213) 990-3394

## دکتر بیژن بروخیم



جراح و متخصص بیماریهای زنان،  
زایمان و نازائی

Diplomate American Board of  
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۵۰۱-۶۷۷۵

**16311 VENTURA BLVD.  
SUITE 745  
ENCINO, CA 91436**

**9024 BURTON WAY  
BEVERLY HILLS, CA. 90211**

## دکتر شیرزاد ابراهیمیان

Shirzad A. Abrams M.D.

جراح و متخصص بیماریهای استخوان  
مفاصل، ستون فقرات و شکستگیها

DIPLOMATE AMERICAN BOARD OF  
ORTHOPEDIC SURGERY

501-5326

تلفن ۵۰۱-۵۳۲۶

16311 Ventura Blvd. Suite 520  
Encino, Ca. 91436

در منطقه انیسینو

## دکتر موریس واحدی فر

دندانپزشک متخصص

از دانشگاه کالیفرنیا

باسوابق تدریس و تجربه در دندانپزشکی  
عمومی و ارتودنسی

12304 Santa Monica Blvd.  
Suite 117  
W.L.A. Ca. 90025

**(213) 820-4328**

## دکتر سعید کامروا



جراح و متخصص بیماریهای زنان،  
زایمان و نازائی  
از آمریکا و دارای برد تخصصی

**DIPLOMATE AMERICAN  
BOARD OF OBSTETRICS  
AND GYNECOLOGY  
18411 CLARK ST. #301**

ناحیه VALLEY جنب بیمارستان تارزانا  
تلفن ۲۴ ساعته ۷۰۵-۰۰۳۲



## چه انتظاری

# از هیأت مدیره منتخب فدراسیون داریم

در سخت ترین شرایط در تعلیم و تربیت نسل حاضر سهم بسزائی داشته اند، در این دیار غربت بامشکلات متعددی دست به گریبان هستند. لازم است باتشکیل مرکزی که درخور شخصیت و روحیه آنان باشد باعث دلگرمی و اعتماد به نفس این گروه گردیم.

### ۷- کمک و رسیدگی به وضع بیماران بی بضاعت

بر اساس فرموده پیامبر بزرگ ما که می گوید همسوت رمانند خودت دوست بدار هر یک از ما وظیفه خطیری به عهده داریم که در صورت مشاهده یک بیمار نیازمند حداکثر تلاش خود را در راه نجات او بکار بریم. بعنوان نمونه چند خیرخواه اجتماعی چندی پیش با پرداخت هزینه هنگفت عمل کلیه به جوانی اورا از مرگ نجات بخشیدند. این نمونه باید هر چه بیشتر شوند.

### ۸- اشاعه فرهنگ پرافتخار یهود و حفظ و حراست سنت های ملی ایرانی

باتشکیل کلاس های مذهبی و فرهنگ فارسی باید در راه حفظ و حراست پایه های مذهب و فرهنگ ایران کوشید.

### ۹- ارتباط با مردم از طریق رسانه های گروهی

فدراسیون باید با پشتیبانی و حمایت از نشریه پرارزش شوفار وسیله ترقی آنرا به گونه ای فراهم کند که مورد استفاده همه ایرانیان دوز و وطن قرار گیرد.

### ۱۰- ارتباط با سازمان های یهودی امریکایی

در جهت استفاده از دانش و تکنولوژی پیشرفته امریکایی همگام شدن با آنان در جهت تغییرات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و بهره گیری از این نیروی عظیم در راه پیشبرد اهداف فدراسیون.

### ۱۱- آگاه ساختن مردم از وقایع روز

فدراسیون باید از این پس تنها سخنگوی اجتماع ما باشد تا کلیه سازمانها و ارگان های این کشور بدانند که جامعه یهودیان ایرانی مقیم امریکادارای کادر رهبری است و همه موظف هستند در هر زمینه ای تنها با این فدراسیون تماس بگیرند.

شما هیأت مدیره محترم فدراسیون که بارأی واقعی مردم عهده دار رسالت و وظایف سنگینی شده اید، فراموش نکنید که اگر به وظیفه وجدانی خود خوب عمل کنید مورد تأیید همه افراد جامعه خواهید بود و جایگاه شما در قلوب پاک ملت خواهد بود.

نقش تو در زمانه بماند چنان که هست تاریخ حکم آینه دارد هر آینه

کار یابی این کشور، راهنمای موثری برای کسانی که جویای کار در خور تخصصی و لیاقت خود هستند باشد.

### ۴- رسیدگی به وضع اقامت یهودیان ایرانی مقیم امریکا

باتوجه به قوانین موجود، فدراسیون می تواند در جهت تسریع بخشیدن به وضعیت اقامت این گروه مجدانه و قاطعانه اقدام کند و تسهیلات بهتر و بیشتری را برای عموم فراهم سازد.

### ۵- کمیته داوری و حل اختلاف

باتوجه به تفاوت فاحش بین قوانین مدنی ایران و امریکا و بر اساس اینکه امکان دارد عده زیادی علاوه بر عدم تسلط به زبان و قوانین و مقررات این کشور، هنگام طرح اختلافات در دادگاههای امریکا دچار ضرر و زیان هنگفتی شوند، لازم است یک کمیته داوری و حل اختلاف هر یک از افراد کارآموده و متخصص در حل اختلافات موجود تشکیل شود تا نقش حکمیت و حل و فصل دعوی راعده دار گردد. باتوجه به اینکه آمار طلاق ایالت کالیفرنیا در سال ۱۹۸۲ به رقم وحشتناک ۷۳ درصد رسیده است و وظیفه مسئولین امر اینست که باتشکیل یک کمیته داوری از نفوذ این مشکل عظیم به جامعه ما جلوگیری بعمل آورد.

### ۶- رسیدگی به وضع سالخوردهگان پدران و مادران سالخورده و گرانقدری که

سازمان سیامک با کمک به یکپارچگی جامعه یهودی ایرانی و ارائه طرح ائتلاف کلیه سازمان های فعال در راه انتخابات سازنده هیأت مدیره فدراسیون یکبار دیگر تابت نمود که در راه تنویر افکار عمومی و دفاع از حقوق حقه یهودیان پراکنده در غربت از هیچگونه همکاری دریغ ندارد.

از کاندیداهای منتخب جامعه انتظار داریم بر اساس رسالت و مسئولیت خطیری که به عهده دارند، اصول و موازین لازم زیر را که منطبق بر خواسته های جامعه است در نظر داشته باشند، در اجرای آن سعی کافی مبذول دارند و یکایک آنها را در سرلوحه برنامه های خویش قرار دهند.

### ۱- رسیدگی به وضع جوانان، دانشجویان و دانش آموزان

فدراسیون باید باتشکیل مرکز تجمعی برای جوانان مبانی ملی و قومی آنان را تحکیم ببخشد تا از پراکندگی این گل های سرسید جامعه از آغوش خانواده هایشان جلوگیری شود.

### ۲- تشکیل صندوق مرکزی جامعه

اجتماع ما بامشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از نابسامانی های گوناگون کمتر قادر است در جمع آوری و پرداخت اعانه نقش موثری ایفا نماید. بنابراین لازم است این منابع مالی بیهوده مصرف نشوند و با استفاده صحیح نتایج بهتری را سبب گردند.

### ۳- کار یابی

فدراسیون می تواند باتماس دائم با منابع

## اطلاعیه مرکز خدمات فدراسیون یهودیان امریکایی

### کلاسهای انگلیسی برای مبتدیان خارجی

شروع کلاس: اول فوریه ۱۹۸۳.

برنامه: ۹ صبح تا یک بعد از ظهر - دوشنبه تا جمعه هر هفته.

Westside Jewish Community Center  
5870 West Olympic Blvd. Room 203

محل تشکیل کلاس:

آگاهی های لازم: ثبت نام در کلاسها رایگان - حداقل سن ۱۶ سال.

مجربان طرح: سازمانها و مؤسسات مسؤل برنامه های آموزشی دبیرستانهای دولتی لوس

آنجلس (L.A. United School District)

و فدراسیون یهودیان امریکایی.



## کوچ

### یادهاوزاد گاهها (۲)

به تنهافکری که دل خوش می داشتم این بود که، خداراشکر که ماخانه ای داریم که مجبور به ترک آن نیستیم. امادیری نپائید که زمان کوچ مانیزفراسید.

اواسط شهریور ماه ۱۳۲۱ بود. عصرهنگام، روزی گرم که هوا سخت دم کرده بود، من و گروهی از بچه های همسایه کنار باغچه مشغول بازی بودیم. مادر طبق معمول در آشپزخانه شام می پخت. آنروز پدر کمی زودتر از روزهای دیگر به خانه آمد. رفتارش نیز با سایر روزها متفاوت بود. سراغ مادر را گرفت و مستقیم به آشپزخانه رفت و من احساس کردم که اتفاقی غیر معمول در شرف وقوع است. سرفسره شام که نشستیم قضیه روشن شد. پدر خانه ای بیرون محله قولنامه کرده بود و ما باید بزودی به خانه جدید اسباب کشی می کردیم. خانه محله متعلق به پدر بزرگ و نسبتاً جادار بود ولی نه آنقدر که گنجایش سه خانوار - ما، عمویم و پدر بزرگ و مادر بزرگم، را داشته باشد. باتنگ شدن جان و بدون مکان کافی برای زیست چنین جمعیتی، طبعاً تعداد بر خورد هابین بچه ها و بدنبال آن بزرگترها افزایش می یافت. باین ترتیب پدر، بمقتضای طبع آرام و آشنی طلبی که داشت، اولین کسی بود که داوطلب جدا شدن از این جمع شد.

تشریح وضع روحی من پس از شنیدن این خبر در قالب کلام نمی گنجد. ترکیب درهم جوشی از شادی، غم، هیجان، انتظار و التهاب. آیا پرستوهای کوچک گوشه سقف هم هنگام ترک کاشانه شان چنین حال و هوایی داشتند؟ نه. اینها خانه جدید خود و دنیای اطراف آنرا بخوبی می شناختند و من گوئی رهسپار دیار ناشناخته ای بودم. خانه تازه دروازه مدرسه آلیانس بود و من طبعاً بایستی به مدرسه غیریهودی می رفتم. محیط جدید تازچه حدت را پذیرا خواهد بود؟ آیا خواهی توانست بهمان راحتی که با یعقوب و یوسف و مراد و صیون دوستی و معاشرت می کردی با علی و قاسم و سهراب و بیژن هم دوستی داشته باشی؟ من بودم و توده فشرده ای از آیاهای بسیار و بی پاسخ و صدا البته سوز زرف درونی دوری از زادگاه که آنهمه بدان وابسته بودم.

روزی که محله را پشت سر گذاشتیم و به خانه جدید اسباب کشی کردیم، به اطافی که همه ما ساکنان آن زندگی می کردیم رفتم. با اطافان خدا حافظی کردم و صدافانه و معصومانه گریستم. مادر دلداریم داد که: «در عوض خانه تازه خیلی بزرگ تراست و برای خودت اطافی جدا خواهی داشت.» کی برای خودش اطاف جدا می خواست؟ دبستان شمس، خیابان چهارباغ، روزاول مدرسه، کلاس سوم ابتدایی. گنج و سرگردان میان بچه هایی که غالباً همدیگر را می شناختند. از تعطیلات تابستان برای همدیگر تعریف می کردند. قیافه ها همه غریب. تک و توکی بچه های کلیمی محله که دروازه می

«مرثیه ای برای زاد گاهم»، با اقبال عام روبرو شد. سپاسگزار خوانند گانی هستیم که نویسنده را مورد محبت قرار دادند و تشویق به ادامه این سلسله نوشته ها نمودند. این شما و این «کوچ» با آرزوی اینکه مورد پسند قرار گیرد. با وجود این، برای اینکه این سلسله مقالات، که از این شماره به بعد زیر عنوان «یادهاوزاد گاهها» بچاپ خواهد رسید، بتواند ادامه پیدا کند دست یاری به سوی همه خوانندگان دراز می کنیم.

زندگی یهودیان ایرانی در محله های یهودی نشین و جوه مشترک و تشابه های بسیار دارد. بنابراین، صرف نظر از اینکه زادگاه شما اصفهان است یا شیراز یا همدان یا مشهد - تردیدی نیست که در فکر اغلب شما گنجینه ای از خاطرات و یادهای جالب از خودتان، پدرانتان، دوستان و آشنایان یا حتی شنیده ها و تعریف هایی است که دریغ است سایر علاقه مندان از آن بهره مند نشوند و بویژه اکنون که ما تا این حد از زادگاه خود بدور افتاده ایم، برای نسل های بعد از ما زمانمانند. مجله شوفار محملی است برای ثبت و نگهداری همه این خاطرات. اگر خود شما اهل قلم هستید همت کنید بنویسید تا نام خودتان اقدام به چاپ شود و در غیر این صورت بنویسید و بگذارید دست بقلم های شوفار آتراند و این کنند و البته باز هم بنام خودتان در مجله چاپ کنند.

در انتظار همت و یاری شما هستیم.

از خود می پرسیدم: «آیا اینها هم زن هایشان را طلاق می دهند؟» آشیانه رانوسازی می کردند، پرستوی ماده تخم می گذاشت و روی آن می نشست، جوجه ها سراز تخم در می آوردند، پدر و مادر دانه بد هانشان می گذاشتند و به آنها پرواز می آموختند و بزرگ که می شدند پدر می کشیدند و می رفتند و پدر و مادر تنها می ماندند. غمگین. و چون هوار و به سردی می رفت این دوزخ کوچ می کردند.

و من گوشه ایران می نشستم و به آشیانه کوچک کنار سقف چشم می دوختم. متحیر بودم از اینکه چگونه اینان از خانه خود که با آن شور و هیجان بر پامی کنند باین راحتی دل می کنند و وقتی به نتیجه ای معقول نمی رسیدم،

پرستوها با آغاز فصل گرم می آمدند و با شروع سرما می رفتند. وقتی می رسیدند آشیانه خود را که سال یا سال های قبل ساخته بودند سرو سامانی می دادند و ما را می گزیدند. با وجود اینکه در اوقات و سنت بود که بزرگتر به حیوانات و پرندگان علاقه نشان دهد ولی پدر و مادر وقتی پرستوها می آمدند، آشکارا شادی خود را نشان می دادند و در توجیه علاقه خود می گفتند: «اینها برکت خانه هستند» و باز، وقتی کوچ می کردند و می رفتند، می دیدی که سخت ناراحت می شدند.

روزهای تابستان، هنگام تعطیلات مدرسه ها، شاید ساعتها می نشستم و زندگی حیرت انگیز کولیوان پرنده را تماشا می کردم. همان جفت پارسالی - با همان عشق و علاقه و هیجان زیستن هر ساله شان. بارها در فکر کود کانه ام



شناختشان. غالباً شاگردهای کلاس های بالاتر که آنها هم از مدرسه آلیانس آمده بودند. چنین نظری رسید که من تنها کلمی کلاس هم هستم. چه باک. گوشه ای کنار دیوار ایستادم. احساس غربت غربی روی قلبم جنگ می انداخت و در خلاء ناخوشایندی شناور بودم.

«سلام» - صدایی شنیدم و باور نکردم که مخاطب منم. سلامی دوباره و پاسخ من. پسری سیاه چرده بالاسی زنده اما صورتی در نهایت صمیمی و نگاهی مهربان و تابه امروز دوستی که انسانیت و پاکیزش را در کمتراکی سراغ دارم. حسن بود. اسمم را پرسید. گفتم. دانست که یهودیم. اهمیت نداد. عجیب از بیچگی با تجربه می آموختیم چه کسی وقتی فهمید یهودی هستی اهمیت نمی دهد، چه کسی اهمیت می دهد و بروی خودش نمی آورد و بالاخره چه کسی اهمیت می دهد، عکس العمل هم نشان می دهد و سپس دوری می کند. و حسن از گروه اول بود. چه بسیارند حسن ها و متأسفانه چه بسیارترند ضد حسن ها. دانستیم که با هم همکلاسیم. زنگ که خورد اول همه به کلاس رفتیم و هر دو در ردیف جلوری یک نیمکت کنار هم نشستیم و به بچه ها که یکی یکی یا گروه گروه به کلاس می آمدند نگاه می کردیم که احمد وارد کلاس شد - پسری که در همسایگی خانه جدید ما زندگی می کرد. جلوی نیمکتی که من و حسن روی آن نشسته بودیم ایستاد - با انگشت مرابه گروه خود نشان داد و با تمسخر فریاد زد: «ااه - جوده روا»

فریادی بارشده های استوار در فراسوی تاریخ. ندای ناهنجار نفرت انسان از انسان. نفرتی که مردم من در تمامی طول مدت هستی خود با آن زیسته اند - یا شاید درست تر باشد بگویم با آن همزیستی داشته اند. و چه همزیستی دردناکی. اکنون که بگذشته نگاه می کنم از خود می پرسم «آیا از احمد و احمد ها تنفرداری؟» پاسخ طبعاً منفی است چون اگر منم چنین فکر کنم من نیز در جهل مرکبی چون او فرو می رانم. لحن اهانت آمیز احمد را نشنیده گرفتم و نشستم. آموزشی که پدر و مادر از بیچگی به ما می دادند، شاید این از مشخصه های قومی ما باشد که نسل پشت نسل آموخته اینم زورگویی را پذیرا باشیم و به بیانی دیگر، زورشنوهای حرفه ای باشیم و فقط وقتی ظلم و تعدی متعرضان به حد غیر قابل تحملی رسید - تنها در این مرحله قدامت کنیم و به مبارزه برخیزیم. حسن با تعجب به من نگریست. در نگاهش این پرسش موج می زد که «چرا حرف زور را می پاسخ می گذاری.» و من این نگاه تاحدی پرسرزنش راهم نادیده گرفتم و نشستم. با سپری شدن چند ماهی از سال تحصیلی،

احمد موفق شد برای خودش دارودسته ای از همکلاسیهای تندخو درست کند و موارد تعدی و آزار خود را از من سرخه کردن به ضرب و شتم من و سایر بچه های کلمی مدرسه سرایت دهد. چه باید می کردم. دست کمک به سوی

پدر و مادر دراز کردم: «نبا جوابش را بدهی. این جوانمرگ شده ای که تو تعریف می کنی میزند ناقصت می کند.» می پرسیدم: «مدیر و ناظم چطور. به آنها شکایت کنم؟» و جواب که: «مگر عقلت را از دست داده ای. فکر می کنی آنها می آیند او را اول کنند و ترا بگیرند؟» همزمان با این جریان ها، دوستی من با حسن روز بروز بیشتر ریشه می گرفت. به خانه هم رفت و آمد پیدا کردیم. تحلیل علت تضاد رفتار حسن با احمد در آن سن و سال برایم بسیار مشکل بود. چگونه دونفر انسان بایک باور مشترک می توانند تا این حد در مواجهه با باوری دیگر متضاد فکر کنند. چرا احمد ضد یهود بود و حسن نبود؟ درمانده بودم.

پدر و مادر کمکی به حل مشکل برخورد های مداوم احمد با من نمی کردند، این مسائل به جای خود بود و من به مشاوری برای پیدا کردن راه حلی نیاز داشتم که انتفاقی گره گشای مشکلات و معضلات من شد. زنگ آخر که خورد، از مدرسه با حسن بیرون آمدیم. آنروز عصر من برای حاضر کردن درس فردا به خانه حسن می رفتم. با هم مشغول گفتگو بودیم که مهممه ای از پشت سر توجه ما را جلب کرد. احمد وارد دسته اش بودند. این بار آماج تمسخر ها من نهانبودم که حسن بیچاره هم هدف سرزنش بود. «حسنی جودش - کله ش پرود شد.» پرتاب پاره سنگی که به پشت من خورد و بروی خودم نیارودم. چند قدمی جلوتر و پرتاب پاره سنگی دیگر به حسن. حسن ایستاد و قلب من نیز وحشت کردم. برای یک لحظه فکر کردم اگر برخوردی در بگیرد، حسن با آن جنه تحیف و من با روحیه ای ضعیف چگونه به مصاف این جمع می رفتم. برگشت و با آرامش ولی در نهایت دلآوری به سوی احمد رفت. احمد و یارانش در جای خود ماندند. اول حالت دفاعی گرفتند. حسن هنوز پیش می رفت، من کنار کوه بهت زده به این صحنه نگاه می کردم. صدای قلبم رابه راحتی می شنیدم. رودر روی احمد ایستاد و مستقیم به چشمانش نگاه کرد. شاید با چیزی گفت. نفهمیدم یا شاید آنقدر نگران شروع دعوا بودم که گفتگویشان را نشنیدم. سکوت بود و سکوت کامل. حدود دوسه دقیقه. و بعد از این دقیق طولانی - حسن آرام برگشت. با همان صلابتی که رفته بود. به من که رسید ایستاد. نگاهی بر معنی به من کرد و من در نگاهش خواندم، که غرور انسان بالا تر و بالاتر از آنست که از ترس یک حمله یا آزار جسمی تا این حد تن به خواری و سرافکنندگی روحی بدهد. با هم به راه افتادیم و صدای احمد از آن کوهچه خطاب به حسن که: «حسن! ترا کاریت نداریم اما با شدت احساس آن بچه جوده را خودم به تنهایی برسم.»

به خانه حسن که رسیدیم، مادرش مشغول اقامه نماز بود. سلام کردیم و جواب نشنیدیم که نماز باطل نشود. به انتظار گوشه اطاق نشستیم و رکوع و سجود مادر حسن را نظاره کردیم. چه

صمیمانه با خدای خود خلوت کرده بود. نمازش تمام شد. «علیک السلام» جواب سلامان را داد. کنار سماور نشست. بر ایمن چای ریخت با گز و شیرینی. خوردیم، پرسید: «مدرسه چه خبر؟» و ما جوابی ندادیم.

بعد از آن ساعتی به خواندن درس نهم نشستیم و از آنهم چیزی نفهمیدیم. من خدا حافظی کردم و به سوی خانه براه افتادم. از پیچ اولین کوهچه که گذشتم خود را با احمد رودر روی دیدم. برای یک لحظه همه چیز چون برق از مغزم گذشت. معلوم بود در تمام طول مدتی که من در خانه حسن بودم او در انتظار من در خم کوهچه ایستاده بوده. من باید فرار می کردم. و من فرار نکردم، سهل است به سوی او پیش هم رفتم، همان کاریکه حسن کرد. رودر روی ایستادم. مسئولی بودم و ناگهان حمله کردم. بصورتش چنگ انداختم. بزمن افتاد. رویش نشستم و قبل از آنکه بتواند حرکتی بکند رگبارمش لگدر را بر او فرو آوردم. انگار بیهوش شد. رهایش کردم. براه افتادم. چند قدم جلوتر رفتم. برگشتم نگاه کردم. روی زمین بی حرکت بود. ایستادم و نهیب وجدان که: «فرق تو و حیوان چیست؟» برگشتم و از زمین بلندش کردم. فریاد زد: «ترومرگ مادرت دیگه زن» خنده ام گرفت. احمد هم خندید.

از فریاد آنروز سر و صدای احمد خوابید و چه احترامی که به بچه های کلمی می گذاشت. من و احمد هرگز دوستانی صمیمی نشدیم ولی این تجربه به من آموخت که یکی از بهترین راههای دفع تعصب یادست کم خفه کردن آن ضربه متقابل است و بس. ولی چراها از زمان کودکیم تابه امروز هنوز بجای خود باقیست. چرا انسان باید انسان دیگر را به خاطر اعتقاداتش پست و نجس و توسری خور بداند؟ این نفرت ها و برخورد ها جز برای پنهان کردن عقده های شخصی برای چه می توانست باشد؟ هرگز ندانستیم. پناه بیاریم به کلام جادویی مولانا که همه این نفرت ها را از سر جهل می داند:

چار کس دادادم سردی یک درم زان، یکی گفت «این به انگوری دهم» آن یکی دیگر عرب بدگفت: «لا من عنب خواهم نه انگورای دغا» آن یکی ترکی بدگفت: «این بنم من نمی خواهم عنب، خواهم ازم» آن یکی رومی بگفت «این قیل را ترک کن، خواهیم استافیل را» در تنازع آن نفر جنگی شدند که ز تر نامها غافل بدند مشت بر هم میزدند از ابهلی صاحب سری، غیزی صد زبان گریبندی آنجا بدادی صلحشان پس بگفتی او که من ز این یک درم آرزوی جمله تان را میخرم



موسی رازنده می بیند. خشم آلود و قدرتمند  
ودل آزرده، شاهرگ گردنش برجسته گشته  
واز پره های بازنده بینی اش هوارابدرون سینه  
می فرستد.

پیکرتراش ترسان وهیجان زده، باصدائی  
لرزان وخشک فریاد ازدل برمی آورد:  
«واینک موسی سخن بگو!»

وموسی سخن می گوید. موسی ازجای  
برمی خیزد وسخن می گوید. باهیبت است  
وپرشکوه وباعظمت. به عظمت کوه سینا؛  
کوهی که بیهو کلام زرین خویش رادرقلب  
اونشانند. پیکرتراش بادهان بازپشت  
بدیوارچسبانده وبادوکف دست بردیوار  
چنگ انداخته، یارای ایستادن ندارد. موسی  
به اونمی نگیرد. روبسوی دیگردارد.  
وموسی سخن می گوید: هان بشنوی قوم  
برگزیده ناسپاس شکوه گر. بیادآرکه  
درخودیب چسان خشم خداوند رابرانگیختی.  
من میان اونویاستاده بودم تاکلامش رابرایت  
بیان کنم. چون به کوه برآمدم تالوحهای  
عهدی را که خداوند باتومی بست بگیرم چهل  
روزوچهل شب نه نان خوردم ونه آب نوشیدم  
اماآن دم که ازکوه فرودآمدم توسرگرم پرستش  
بتی بصورت گوساله بودی. آتش خشم  
خداودرونم زبانه کشید. دولوح رابالای  
سربردم وبرزمین زدم وبسوی اودویدم.  
سربرتخته سنگهانهدم وازحضور خداوند  
پوزش طلبیدم. آه ازنهامد برآمده بود.  
باردیگرچهل روزوچهل شب نه نان خوردم  
ونه آب نوشیدم تاخداوند سرانجام ازگناه  
توچشم پوشید ومن گوساله ای را که ساخته  
بودی دردومشت گرفتم، درآتش سوزاندم،  
نیکوسائیدم تاهمچون غبارنرم شد وغبارش رابه  
نهریکه ازکوه جاری بودپاشیدم.

بیادآرای قوم برگزیده ناسپاس شکوه  
گرکه درصحرای خشک وبی آب وعلف —  
آنگاه که ازدست دشمن رهاشده بودی —  
خداوند برای تومائده الهی فرستادتاازنده  
بمانی. اما توگریان شدی وگفتی کیست که  
مراگوشت بخوراند. درسرزمین فراغنه ماهی  
وماکیان می خوردم ودراینجا هیچ نیست  
جزاین مائده که درنظرم بی ارزش است.  
بااهل خانه خود بدورخیمه خویش می  
گریستی وخشم خداوند رابرمی افروختی. به  
خداوند گفتم من به تنهایی نمی توانم تمامی  
این قوم راتحمل کنم. وخداوند گفت  
آنقدربه توگوشه خواهد خوردکه ازبینی  
ات بیرون آید. باشکوه هایت بیهو رابه غضب  
آوردی واوترا به تلافی سخت مبتلا ساخت.



از: هوشنگ ابرامی

## راز آوارگی

بیک دست دارد واسکنه دردست دیگر.  
ضربه هارا آرام میزند وبرجای هرضربه به  
آرامی دست می کشد.

انگشتان هنرمند چون چهره آسمانی  
موسی رانوازش میدهد نفس اوراحس می  
کند. نوای تپش قلب اورامی شوند. میکل  
آنژبنگاه پای پس می کشد وایزاردستش  
رابه یکسومی افکند. رنگ ازچهره باخته  
است. زانوانش می لرزد. نفس نفس میزند.  
می گرید وشوری اشگهایش رامی چشد.

میکل آنژمست کاراست. دمبدم  
باآستین، عرق ازچهره پاک می کند. موسی  
دربرابر اوبرسکوئی نشسته است. صندل  
بپادارد. ردای اوازدوشش آویخته وبروی  
زانوانش جمع شده است. برهنه بازوست.

دولوح فرامین الهی رابزیربازوی راست  
نگهداشته. مرمرین است وملکوئی؛ یاسیمائی  
درخششان. چنگ درریش فروبرده.

پیکرتراش ازخودبیخود شده است. چکش



بیادآرای قوم برگزیده ناسپاس شکوه  
گرکه چگونه برمن و برادرم هارون شوریدی  
و فریاد برآوردی که ایکاش در سرزمین فرعون  
می مردی و روبسوی خداوند نمی آوردی  
تا برای رسیدن به سرزمینی که بیهوه به تو وعده  
داده در صحرا سرگردان نشوی. خداوند  
دگر باره خشمگین شد و مرا خطاب کرده  
فرمود تا یکی با همه آیاتیکه برای تونازل کرده  
است نیایددم از شکوه فروبندی؟ بیهوه  
خواست ترانابودسازد. اما من باز به استغاثه  
پرداختم و به خداوند گفتم ای قادر متعال  
اگر تو این قوم راهلاک کنی فرعونیان چه  
خواهند گفت؟ آیا نخواهند گفت چون  
خداوند نتوانست این قوم را بر زمین شیره شهید  
برساند در صحرا نابودش کرد؟ خداوند برحم  
آمد و ترا آفرید.

بیادآرای قوم برگزیده ناسپاس شکوه  
گرکه با وجود همه بخشایشها و گذشتههای  
خداوند آنقدر شکایت و قدرناشناسی کردی  
که زبانه آتش خشم او سقف آسمان را شکافت  
و مرا خطاب کرده فرمود: ترا ای قوم بنی  
اسرائیل برای ناشکرینها و ناسپاسی هایت  
سخت سیاست خواهم کرد. مکانهای بلندت  
را خراب خواهم ساخت و شهرهایت را ویران  
خواهم کرد. ترا در میان دیگر امتهای عالم  
خواهم پراکند تا شمشیر را در برابر تو بیاوردند.  
در تمامی ایامی که تو در زمین دشمنان  
خود سرگردان و در بدر روزگار بگذرانی  
ترا آنچنان در برابر دشمنان ضعیف و کم توان  
خواهم کرد که از آوای افتادن برگ درختان  
بهراسی و بگریزی. یارای ستیز با دشمنان  
را از تو سلب خواهم کرد بدان سان که در میان  
امتهای دیگر، بی آنکه در میدان جنگ باشی  
بخاک افتی. سنگینی بارگناهان و ناسپاسیهای  
تو را نسل پس از نسل، پسران تو و پسران پسران  
تو بدوش خواهند کشید و تا زمانی که سزای  
گناهان و قدرناشناسی هایت را نداده ای  
همچنان در میان امتهای بسیار که با تو دشمنی  
خواهند ورزید پراکنده خواهی ماند. اقوامی  
که از تو نفرت دارند بر تو حکومت خواهند کرد.  
از یک راه بسوی آنها خواهی رفت و از هفت  
راه از حضور ایشان خواهی گریخت. در تمامی  
ممالک جهان به تلاطم خواهی افتاد.  
در میان قومها در بدر خواهی شد و در میان  
طوایف و ملل کم شماره خواهی بود. چون  
در تمامی سالیان دراز، در جمیع امتهایی که  
ترا بمیان آنها خواهم راند، برکت و لعنت  
مرا بیاد آوری، آنگاه بر تو رحم خواهم کرد و به  
آوارگی تو که از کران تا به کران گسترش

خواهد داشت پایان خواهم داد.

اینست آنچه بیهوه مرا خطاب کرده فرمود.  
ومن، ای امت شکوه گرم بیم آن دارم که  
باز روزگار بگذرد و نسلی بدنبال نسلی  
دیگر بدنیایی دیگر ببینند و تو همچنان غافل  
از آن مانی که در برکت خداوند چه حکمتی  
است و لعنت او چه رازی نهفته دارد.  
بیادآرای امت برگزیده که هر بار آفریننده  
زوال ناپذیر تو بایک دست بر چهره توسیلی زده  
بادست دیگر ترا از افتادن باز داشته است.  
تاریخ قوم تو نمونه های بیشمار از خشم  
و بخشایشندگی خداوند دارد و داستانهای  
فراوان از حکمت او برای جاودانه نگهداشتن  
فرزندان اسرائیل.

آوارگی و جاودانگی تو بماندن چو بدست  
شبان من اعجاز خواهد آفرید. چشم دشمنان  
تو حیرت زده خواهد ماند که چگونه با اینهمه  
دربدردی و سرگردانی و با اینهمه مصائب  
عظیم، که هر یک از آنها بسادگی می توانست  
امتی را از بهندشت گیتی محو کند، قومی  
توانسته است که بماند، که بایستد، که  
از تو گردهم آید، که زنده جاوید باشد.  
بیادآرای اگر این آوارگی، این سرگردانی،  
این دربدری و این نیروی زنده و متحرک  
گریز پذیری در تو نبود چگونه اعصار و قرون  
را پشت سر می گذاشتی و میماندی. چه  
بسیار قومها و امتهای که همزمان تو بودند و به  
آرامی در دل تاریخ بگورسپرده شدند.  
اما تو ماندی، تو ایستادی؛ بتوانی و پرشکوه  
ایستادی. یگانگی را در پناه آوارگی آموختی  
و همدستی را در پرتو سرگردانی.

افراد تو، ای امت من، از افاق تا به افق  
پراکنده بودید اما پشت هم ایستادید؛ محکم  
چون کوه و پیوسته چون حلقه های فولادین  
یک زنجیر. در جهان دربدری، هر یک  
از شما، گوش بزنگ آن بودید که کدام برادر،  
کدام خواهر نیاز بدمد دارد تا بسویش بشتابید  
و شتافتید.

سرگردانی تو، ای قوم بنی اسرائیل،  
بتو آموخت که چگونه، نه با شعروشعار آنچنان  
که راه دیگر اقوام است، بلکه از ریشه و بن  
با هم متحد و همدست باشید. ای قوم  
برگزیده! راز آوارگی تو را از یگانگی تست.  
راز جاودانگی تست. اگر بخاطر پراکندگی  
تو نبود، تو چگونه چون آهویی چابک و تیز پای  
تانوای خطر را از دور می شنیدی می توانستی  
از خاک بیگریزی و در قلب تاریکی از کوه  
و جنگل ورود و هامون و توفان و تندر بگذری  
و خود را به مکان امن دیگری برسانی. چه

بسیار امتهای که تیغ دشمن را ندیدند و پای  
گریزنداشتند و با گذشت ایام، در جای بدل به  
برکه آبی بی مصرف و کم عمر شدند. اما تو رزمز  
زنده ماندن را در سایه پراکندگی فرا گرفتی.

اندیشه کن ای امت من که اگر یک بیک  
شما، نسل در نسل، پسر از پس پدر در هر خاکی  
و درون هر ملت بیگانه ای طعم تلخ آوارگی  
و سرگردانی را نمی چشیدید چگونه یارای  
اینهمه همبستگی شکفت انگیز و اعجاز آمیز  
را داشتید. ای بسا که یکدیگر را نبینید،  
اما دستهایتان را بهم می فشرد. چه سخت!  
انگشت در انگشت و سرشار از مهر و محبت.  
چرا؟

بیانندیش. آیا اگر آواره و سرگردان نبود  
باز این چنین بود؟ بدیگر امتهای ملتها بنگر.  
از یک کیش و آئین اند اما بروی هم شمشیری  
کشند و خون یکدیگر بر زمین می ریزند. بیک  
زبان تکلم می کنند و از یک قومند اما بخون  
هم تشنه اند. ولی افراد تو بیگانه اند. بیگانه  
اند چون آواره اند. ای بسا که زبان یکدیگر  
رانندند چرا که بسبب پراکندگی و آمیختگی  
با دیگر ملتها هر گروه کوچکی از شما به یک  
زبان سخن می گوید اما سرود برادری سر می  
دهید و فریاد پر شور همبستگی از سینه بر می  
آورید.

ای قوم برگزیده! از آن زمان که خداوند  
امریه سرگردانی تو داد تا به امروز چند چشم  
همکیشانت را در برابر چشمان دیگر بدر آورده  
ای و چند دست را بخاطر دستان دیگر بریده  
ای. آه که چه اتحاد افسانه آمیزی! این  
اعجاز است. سوگند بدان چو بدست مقدسی  
که آب نیل را از بهر خروج تو خشکاند این  
همبستگی و یگانگی، خود معجزه ایست که  
هر یک از افراد تو در آن سهمی دارد. عصایی  
باید تا آبی خشکانده شود و آوارگی ای  
باید تا قومی بیگانه گردد.

بنگر ای امت من که مهر پاک و بی غش  
تو بهم کیشت که نمودار مهر فرزند است به مادر  
و خواهر به برادر و پدر به پسر چگونه جملگی  
افراد تریه خانواری بس بزرگ بدل کرده  
است که در آن هر فرد هوای فرد دیگر دارد  
و در دنیای سرگردان که پیشرفت جهان،  
خانواده ها را از هم پراکنده تو یکپارچه  
و همدست و هم رنگ مانده ای.

مباد بر تو ای قوم برگزیده خداوند که  
از دربدری و سرگردانی ات شکوه و ناله  
سردهی و مباد بر تو ای امت من که نیاندیشی  
وندانی که در آوارگی و پراکندگی تو چه  
حکمت شگرف الهی نهفته است.



بقلم: حسن شهباز

# سیری در بزرگترین کتابهای جهان

## ارزیابی تورات

### از دیدگاه یک شاعر ادبی



حسن شهبازادیب، نویسنده و محقق گرانمایه در جلد دوم اثر پرارزش خود «سیری در بزرگترین کتابهای جهان» فصلی را به بررسی کتاب مقدس اختصاص داده است. در این فصل نویسنده فرزانه باموشکافی و دقت و از دیدگاهی کاملاً تازه تورات را مورد بررسی قرار می دهد که گوشه هایی از آن در اینجا بنظرتان میرسد.

دیرزمانی است که ادبشناسان جهان متفقاً پذیرفته اند که کتاب مقدس، یعنی دو کتاب عهد عتیق و عهد جدید، پایه زبانی دیگر تورات و انجیل در شمار آثار برگزیده ادب گیتی است و از دیدگاه یک ادیب یاداستنرا یا شاعر یا مورخ یک شاهکار مسلم است.

پاسخ به این پرسش در آغاز چندان آسان نبوده است. در نظریک شیفته دین، خواه یهودی یا مسیحی، کتاب مقدس یک اثر بی همتاست و در مقام مقایسه با سایر آفریده های اندیشه بشری، هیچ کتابی تا به امروز نوشته نشده است که از هر جهت برای برابری با آنرا داشته باشد؛ اما آیا یک منتقد بصیر توانا که معیارهای دقیقی را برای ارزیابی یک اثر ادبی در دست دارد این داوری متعصبان دین را به سهولت می پذیرد؟ در این تردید نیست که از بدو خلقت بشر تا

امروز و از روزگاری که خط بوسیله اولین انسانهای متفکر اختراع شد هیچ اثر مکتوبی به اندازه کتاب مقدس نوشته یا خوانده نشده است اما آیا این تنها امتیاز کافی است که مایک «کتاب مذهبی» را یک «شاهکار ادبی» بشناسیم و آنرا در شمار آثار کرم نظیر فکر بشر بشمار آوریم؟ کتاب مقدس را از جنبه های مختلف و معیارهای ادبی مورد ارزیابی قرار می دهیم.

#### مروری بر تورات:

تورات با سفر پیدایش آغاز می شود و با سفر ملاکی نبی پایان می گیرد. سفر پیدایش داستان آفریدن آسمانها و زمین بوسیله خداست. وقتی پروردگار، زمین تهی و بایر را می بیند که همه جاتاریکی بر پهنه آن گسترده، فرمان می دهد که نور بر عرصه جهان گسترده شود و از این دم تاریکی و روشنائی و شب و روز پدید می آید. بر صفحه بایر زمین، به فرمان او، درخت و گیاه می

روید. در دریاها جانوران و بر خشکیها پرندگان و دیگر جانداران زندگانی آغاز می نهند و همینکه خاک پهناور زمین آماده قبول بشر می گردد خداوند آدم و حوا را می آفریند و آنگاه و فرزندان آنها هابیل و قاین پای به عرصه وجود می نهند و سرانجام قاین مرتکب نخستین قتل نفس می گردد و برادرش هابیل را بر خاک هلاکت می افکند. در اسفار عهد عتیق هر یک از بابها داستانیست دلکش از آنچه می اندیشیده اند و از آنچه بر قوم عبرانی می گذشته است. سفر خروج متضمن داستان موسی است و قبول رهبری قوم بنی اسرائیل، جدال او با فرعون و سرانجام خروج او از مصر تا کنعان که خود حماسه ای است از جانبازی قومی برای رهایی از اسارت فرمانروایی جبار. دیگر سفرها یا جزوه های این بخش از تورات، اسفار لاویان، اعداد و تشنیه است که جملگی پیرامون موسی و احکام او دور می زند. آنگاه صحیفه یوشع بن نون، خادم موسی آغاز می شود که بخشی است از وقایعی که پس از درگذشت موسی بوقوع پیوسته. سپس کتب داوران شروع می شود و این دورانی است که هنوز قوم بنی اسرائیل برای خویش پادشاهانی اختیار نکرده بود و گروهی از قضات حاکم بر سر نوشت آنان بودند.

در فصول پادشاهان که پس از کتاب روت و شموئیل نبی آغاز می شود با سرگذشت دل انگیز داود و سلیمان آشنا می گردیم که از کتب بسیار جالب و خواندنی تورات است. زبور داود و امثال سلیمان و کتاب جامعه سلیمان و همچنین غزلیات او بخش و یژه ای از کتاب عهد عتیق را بوجود می آورد که محتوای آن بیش از آنکه رنگ تاریخ یا مذهب رداشته باشد به ادب و هنر و ذوق نزدیک است.

همین فصول تورات است که این اخلاق نامه، یادین نامه، یا وقایع نامه را از صورت یک کتاب خشک بیرون می آورد و به آن جلوه های یک شعرنامه، داستان نامه و عشق نامه می دهد. زندگانی خود سلیمان و سلطنت چهل ساله او که با خردمندی و زیباپرستی و هنردوستی همراه است خود از هر قصه نامه ای شورانگیز تر و عبرت آموزتر است. داستان سفر ملکه سبا و عشق و ازدواج او با شاه سلیمان از ماجراهائی است که جاودانه در مخیله هر شاعر یا داستانسرا یا تاریخ نویس نقش بسته و هر بار به صورت یک منظومه تازه یا نامشنامه جدید یا فیلم و کتابی در می آید.

با خاتمه یافتن سلطنت چهل ساله شاه سلیمان، باردیگر آفتاب اقبال قوم بنی اسرائیل غروب می کند و عبرانیها در ظلمت پراکندگی و دودستگی و تباهی قرار می گیرند.

صحایف تورات پس از سلیمان و ذکر غزلیات او، به سرگذشت انبیاء رومی کند و از اشعیا نبی، ارمیا نبی، حزقیال نبی، دانیال نبی، هوش نبی، و دیگر انبیاء تاملاتی سخن بپیان می آورد.

#### نگارش تورات:

کتاب مقدس در اصل به سه زبان نگاشته شده بود: کتاب عهد عتیق به دوزبان عبرانی و کلدانی و کتاب جدید به زبان یونانی. اما سالیان متمادی است که این دو کتاب به همه زبانهای زنده و مرده جهان ترجمه شده است و چنانکه پژوهشهای کتاب شناسان نشان می دهد هیچ کتابی در سراسر عالم تا به امروز به اندازه کتاب مقدس نوشته یا خوانده نشده است.

کتاب عهد عتیق، یا تورات، دارای ۳۹ کتاب است و کتاب عهد جدید، یا انجیل، دارای ۲۷ کتاب. بدین



ترتیب این مجموعه ۶۶ کتاب درخود دارد. تعداد ابواب **تورات** ۹۲۹ است و تعداد ابواب **انجیل**، ۲۶۰ و بطور کلی، چنانکه دوستان کتاب **مقدس** حساب کرده اند **تورات** ۵۹۲۴۳۹ کلمه و **انجیل** ۱۸۱۲۵۳ کلمه دارد و این شماره کلمات نشان می دهد که کتاب **عهد عتیق** از نظر محتوی بیش از سه برابر کتاب **عهد جدید** است.

**کتاب مقدس** را از نظر مضامین می توان به چند بخش تقسیم کرد: قسمتی که از نظر مطالب تاریخی حائز اهمیت است و این ابواب بازگوکننده دوران حیات قومی است که تقریباً از یک هزار سال قبل از میلاد مسیح برای بقای خویش مبارزه کرده اند و حوادث گوناگون زمان را پشت سر نهاده اند.

دیگر بخشی که مربوط به گفته های انبیاء است و در خلال این سطور می توان به نحوه تفکر و زندگی و معتقدات ملتی دست یافت که از صخره و سنگ کوهستان می پرستیدند تا ارواح مفاک نشین و دره نشین. دیگر قسمتهایی است که جنبه داستانی دارد و در حقیقت متضمن حکایات و روایات و قصه های دلپذیر است. همین روایات دل انگیز و روحنواز است که ارزش ادبی این مجموعه را بالا می برد و آنرا در شمار نوشته های دوست داشتنی فکر بشر در می آورد.

دیگر ابوابی است که متضمن نوشته های تغزلی انبیاء است. زبور داود و غزلیات سلیمان یکی از کهنسالترین میراثهای شعری است که از دوران عتیق به ما رسیده است و شگفت آور اینکه همین امروز هم بردل و جان خواننده می نشیند.

علاوه بر جهات مزبور، **کتاب مقدس** دارای ابوابی است مربوط به شرح حال افراد، قوانین شرعی و عرفی، و افسانه های دلکش که از نظر فصاحت و شیوایی آثار گرانقدری بشمار می آیند.

### مضامین ادبی:

صرف نظر از بسیاری حکایات و داستانهای دلکش که در **تورات** آمده و هر یک بیانگر ذوق قصه پردازی و قدرت داستانی نویسنده گان این کتاب است یک داستان واحد کتاب مقدس کافی است که آنرا از این جنبه در شمار آثار کم نظیر ادب جهان در آورد و آن داستان یعقوب و هفت پسر و سه دختر او است که در حقیقت دوازدهمین کتاب **تورات** را پس از اسفار و صحیفه یوشع بن نون تشکیل می دهد.

ایوب مظهر تحمل و شکیبایی و بردباری است. انسانی است که قدرت او در تحمل بلاها و متاعب و نامرادیها او را در میان همه اقوام و ملل سیمای جاودانی ساخته است و این کتاب داستان پایمردیهای او است. نکته ای فلسفی و اندیشمندانه که در داستان ایوب آمده پریشانی است که او از خود و از خدای خود می کند و آن اینکه چرا باید یک انسان بیگناه رنج بکشد؟ پاسخهای یاران و استدلال اینکه رنج کیفر گناهکاری است او را خشنود نمی سازد تا سرانجام به خدای او می کند و با او به گفتگویی پردازد. مکالمه او با خدا و بحث او با اطرافیان، این فصل از کتاب **تورات** را در شمار یکی اوعالیترین درامهای فلسفی در می آورد. کتاب ایوب بخوبی نشان می دهد که نویسنده یا نویسندگان این بخش از **تورات** دارای عالیترین قریحه درام نویسی بوده اند و در همانحال که می کوشیدند آرمان مقدس خود را که پذیرفتن مشیات خداوند و پیروی از نیات او باشد به رشته

تحریر آورند این گفتگوار در چهار چوب یک نمایشنامه دلپذیر و روحنواز تنظیم کرده اند.

در **تورات** داستانهای زیبا و شورانگیز و عاشقانه بسیار است. سرگذشت «روت» که در کتاب دوم پس از کتاب داوران آمده از داستانهای دلنواز **تورات** است. روت مادر داود است و داود پادشاهی است که مزامیر وزیر او در ادب عبری جاودان مانده است. کتاب استریدگر داستان خیال انگیز این مجموعه **عهد عتیق** است. قصه یونس نبی که مدت سه روز در شکم ماهی زیسته خود از قصه های مشغول کننده **تورات** است. در آن هنگام که کلام خدا بر او نازل می شود تا به نینوا برود و آنرا را از شرارت بازدارد، یونس بانیت فرار از امر خدا در یافا پرسفینه می نشیند تا از فرمان خدا سرپیچی کند و به سوی ترشیش بگریزد. طوفانی سهمگین آغاز می شود و سرانجام ملاحان او را بدریا می افکنند و او مدت سه شبانه روز، به مشیت خدا، در دل ماهی می ماند و آنگاه که یونس نزد یهوه خدای خود دست به دعا و توبه و انابه بر می دارد ماهی او را از شکم خود بساحل فرو می افکند.

### مضامین شاعرانه:

**کتاب مقدس** از نظر شعر و مضامین شاعرانه نیز بسیار غنی است. بعقیده بعضی از ناقدان، **تورات** دارای زیباترین غزلها و سرودهای عهد کهن است. کتاب **مزامیر** که دارای زبور داود است متضمن یک سلسله مناجاتی است که از حیث شیوایی و مضمون کم نظیر است.

به این دعای داود که شصت و سیمین مزمور از مزامیر او است و در صحرای یهودا گفته شده توجه فرادارید:

ای خداوند، تو پروردگار من هستی و من بهنگام سپیده دم ترا خواهم طلبید. جان من تشنه تست و جسم مشتاق تو، در زمین خشک تشنه بی آب، چنانکه در قفس بر تونظر کردم، تا قوت و جلال ترا مشاهده



کنم، چونکه رحمت تواز حیات نیکوتر است، پس لبهای من تراسبیح خواهد خواند، از این روتا زنده هستم ترامبارک خواهم خواند، و دستهای خود را به نام تو خواهم افراشت، جان من سیر خواهد شد، چنانکه از مغز و پیه، و زبان من به لبهای شادمانی ترا حمد خواهد گفت. چون ترا بر بستر خویش یاد می آورم، و در پاسخهای شب به تو فکر می کنم، زیرا تو مدد کار من بوده ای، زیر سایه بالهای تو شادای خواهم کرد. جان من به تو جوسبیده است، و دست راست تو مرا تأیید کرده است و اما آنانی که قصد جان مرا دارند هلاک خواهند شد، و در اسفل زمین فرو خواهند رفت. ایشان به دم شمشیر سپرده می شوند، و نصیب شغالها خواهند شد. اما پادشاه در خدشادای خواهد کرد، و هر که بدو قسم خورد فخر خواهند نمود، زیرا در ادهان دروغ گویان بسته خواهد شد...

**کتاب امثال سلیمان نبی** که متضمن اندرزهای عالمانه او به فرزندان خویش است از جمله مضامین لطیف و شاعرانه کتاب **عهد عتیق** است اما آنچه این مجموعه مقدس را رنگ زیبای شاعرانه می دهد **غزل غزلهای سلیمان** است. **غزل غزلهای سلیمان** در **تورات** تعبیری است به مفهوم «شاه غزل» و این شاه غزلهای هر چند بخاطر آنکه نام سراینده در چندین مورد تکرار شده، باز در نظر محققان جای ابهام هست و آنان معتقدند قسمتی از این غزلیات سروده شاعران عبری دیگری است. شاه سلیمان، حدود هزاره اول پیش از میلاد می زیسته در حالی که غزلیات او در حوالی قرن چهارم پیش از میلاد نوشته شده، از این رو جای تردید باقی می ماند که قسمتهایی از آن زاینده تخیل و ذوق دیگر شاعران عبری بوده باشد.

این نمونه ای است از شاه غزلهای سلیمان نبی که چون عطر دل انگیز گللهای وحشی کوهستان ملایم و پاک و جانبخش است.

من نرگس شارون و سوسن وادیها هستم. چنانکه سوسن در میان خارها، همانگونه محبوبه من در میان دختران است. همانند سیب در میان درختان جنگل، همانسان محبوب من در میان پسران است.

در سایه وی به شادمانی نشستم، و میوه اش برای کامم شیرین بود. مرا به میخانه آورد و علم وی بر سر من محبت بود. مرا به قرصهای کشمش تقویت کنید و مرا با سببها تازه سازید زیرا که من از عشق بیمارم. دست چپش در زیر سر من است و دست راستش مرا در آغوش می کشد.

ای دختران اورشلیم، شمارا به غزلهای و آهوان صحرا سوگند می دهم، که محبوب مرا تا خودش نخواست بیدار نکنید و بر تینگیزانید. آواز محبوب منست. اینک بر کوهها جستان و بر تلهای خیزان می آید. محبوب من مانند غزال یا بچه آهواست. اینک او در عقب دیوار ما ایستاده و از پنجره ها می نگرند، از شبیکه ها خویش را نمایان می سازد.

محبوب من مرا خطاب کرده و گفت «ای محبوبه من وای زیبائی من، برخیز و بیا، زیرا اینک زمستان گذشته و باران تمام شده و رفته است. گلها بر زمین ظاهر شده اند و زمان الحان رسیده است و آواز فاخته در ولایت ما شنیده می شود...»



Joseph Boodaie M.B.A.  
Tax Consultant

## یوسف بودائی

انجام کلیه خدمات حسابداری  
و حسابرسی

تشکیل شرکت های مختلف با بهترین  
شرایط و مزایا

تلفن: 789-6969  
789-6977

## دکتر ابراهیم دوئل

Ebrahim Duel M.D.

جراح و متخصص بیماری های زنان  
و زایمان و نازائی

OBSTETRICS, GYNECOLOGY &  
INFERTILITY

801 N. Tustin Ave.  
Santa ana, Ca. 92705  
Tel: (213) 547-6641

430 S. Anaheim Hills Blvd.  
Anaheim, Ca. 92807  
Tel: (213) 998-3627

پذیرائی باتعین وقت قبلی

## دکتر حمید حکمت روان

رادیولوژیست

افتتاح کلینیک رادیولوژی جدید خود را به اطلاع  
عموم می رساند

BEVERLY HILLS DIAGNOSTIC  
IMAGING

رادیولوژی تشخیصی

X-Ray \*

\* عکس برداری دوران حاملگی

\* عکس رادیولوژی از سینه

\* پزشکی هسته ای \*

BEVERLY HILLS  
DIAGNOSTIC IMAGING  
9201 Sunset Blvd., Suite 110  
L.A., Ca. 90069  
(213) 859-0400

## دارالترجمه رهبان

ترجمه دقیق اسناد رسمی و  
نامه های تجارتي و حقوقی  
از انگلیسی به فارسی و بالعکس  
در اسرع وقت با نازلترین قیمت

نشانی: سانتامونیکا - شماره ۱۳۱۷  
خیابان دوازدهم - آپارتمان شماره ۳  
تلفن: ۵۶۱۵-۳۹۴ (۲۱۳)

## شرکت ساختمانی Sar-Ward و همکاران

State Lic. No. 426531

- طرح و اجرای ساختمان های مسکونی و تجاری
- اضافه نمودن زیر بنا، نوسازی و تعمیرات

اتاق ۱۴ × ۱۲ فوت از ۴۹۰۰ دلار به بالا

ما کلیه ایده های شما را با قیمت های نازل و متناسب با بودجه شما طرح  
و بمرحله اجرادرمی آوریم.

برآورد اولیه مجانی است تلفن ۹۲۷۳-۳۴۸ (۲۱۳)

پارچه های پشمی از معروفترین

کارخانه های خارجی

منسوجات دو طرفه ملتون

وتیپ شانل

ارزش ۱۹/۴۹ دلار

بهترین خرید سال

حراج واقعی

۱/۲ قیمت

زیباترین پارچه های ابریشمی

از ایتالیا، فرانسه و سوئیس

۳۶ اینچ تا ۴۵ اینچ

ارزش ۱۹/۴۵ دلار

INTERNATIONAL SILKS & WOOLENS

(213) 653-6453

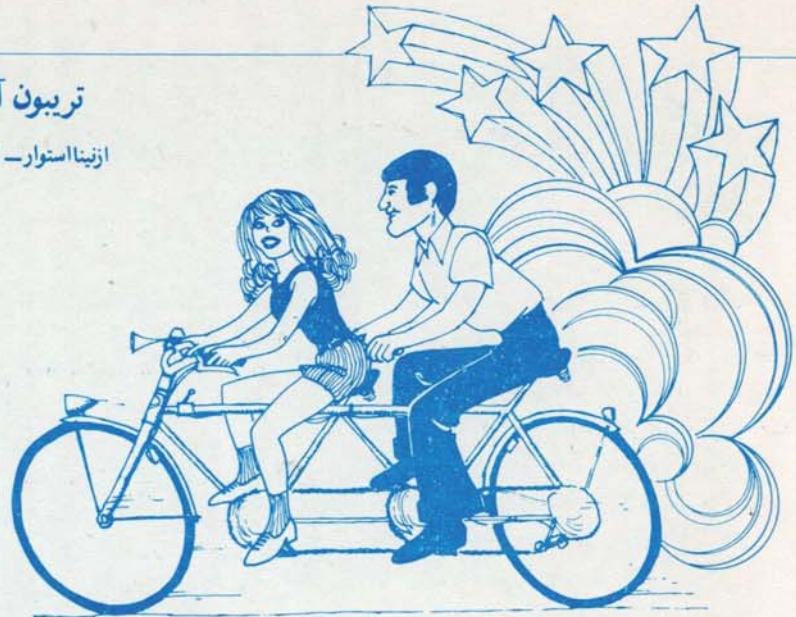
IMPORTED & DOMESTIC  
FASHION FABRICS OF DISTINCTION  
8347 Beverly Blvd., Los Angeles

Open Daily 9 A.M. - 6 P.M.  
Wed. 9 A.M. - 9 P.M.  
Sun. 11 A.M. - 5 P.M.



## تربون آزاد

ازینا استوار - ایتالیا



## مشکرم آقایان بهشت از آن شما

از وقتی که این چهارمرد زندگی مازنان یکجا و باهم تصمیم به ایثار محبت می گیرند. باور کنید که شانس نجات در خود کشی با گاز خیلی بیشتر است! خلاصه زنان مایکوت بخود می آیند و می بینند که ای دل غافل در هیچ یک از ادوار زندگی بر سر نوشت خود حاکم نیستند و همیشه بدیگری وابسته اند. همیشه این «مذکر» خانواده است که تصمیم می گیرد و فقط باید پیروی کند.

آنوقت اگر کسی سروصدایش در بیاید که بابا در دین یهود ریش و قیچی دست آقا است و به زنها التفاتی نشده فوری جوابهای دلفریبی از کامپیوتر بیرون میاید که: نه خیر در کتاب مقدس آمده است که به خانه یعقوب بگو و این حق برتری زن را نشان می دهد. اصلاً حضرت موسی تورات را اول بدست خانمها داد. و این نشان می دهد که احترام زن واجب است، و از همه بامزه تر اینکه، بهشت هم که زیر پای شماست دیگر چه می خواهید!

جداً دست شما در نکنند! من واقعاً راضی به ضرر شما نیستم! بهشت باتمام مزایایش مال شما آقایان. حق انسان بودن ما را پس. وانگهی مگر نه اینکه شما آقایان در دعای خود می خوانید که خدایا ترا سپاس می گذاریم از اینکه مرا زن نیافریدی؟ یعنی زن بودن هم مصیبتی است. هر چند اگر در این مورد هم سؤالی شود فوری شاخ و شانه می کشید که ای بابا محبت هم به شما زنهایمان. منظور از این شکرگزاری این است که مرد خوشحال است که زن نیست تا در در زایمان و زجر و زحمت مادر بودن رابه عهده بگیرد. پس اگر راست است، اگر رنج و مشقت زن را در زندگی قبول دارید پس کوقدر دانی و سپاستان؟

این سنت که یک زن یهودی بالباس سفید عروسی بخانه بخت میرود و با کرباسی آنجا را ترک می کند و هر چه از دست یک یاغی بنام شوهر عذاب می کشد نباید دم بر آورد قصه دیگریست از غصه های فراوان. قبل از اینکه جبهه بگیرید و جوابهای بزرگ نمیر بهار میاد بدهید، باز هم خوب به زندگی دوستان و آشنایان خود دقیق شوید و ببینید چگونه آقایان معامله گرزمین خیالی بهشت رابه قیمت «حق» و «خونهای» مابه ماقالب کرده اند و آنوقت با خود عهد کنید که دختران نسل بعد را از این محبت بی شائبه مردهای زندگیشان محروم کنید و در عرض حق واقعیتشان رابه آنها بدهید ■

•••

شوفاز: نظریات این دوست عزیز رابه بحث می گذاریم و پاسخ های شما خوانندگان عزیز را استقبال می کنیم.

در این مورد به آقایان رویندازید چون به شلوار بلند خود خیلی می نازند. از مساله توافق هم بهتر است بگذریم چون در شان آقایان مانع است. پس بهتر است یکباره خیال خود را راحت کرده و بگوییم: در زندگی خانوادگی خانم ها باید «زن بودن» خود را قبول کنند و بدانند که تمام از خود گذشتگی ها، فداکاریها، مشقات، ناکامیها، سختی ها... در این نکته مستقر است و تنها در این صورت است که زندگی زناشویی می تواند دوام بیاورد. اما بالاخره هر چیزی حدی دارد. قبول این مسئولیت هم نباید باعث شود که بابا بودن در دین آقاگره از ذوقش حیای خود را فراموش کند.

نگاهی به اطراف دور و نزدیک خود بیاندازید و منصفانه بگوید کدامیک از زنانی که می شناسید بر زندگی خود حاکمند؟ دختران ما تا خردسالند از پدر، در نوجوانی از برادر، در دوران زندگی مشترک از «آقا» و در پیری هم از پسر خود باید کسب تکلیف کنند. تازه امان

• خودمانیم جامعه زنان یهود ایرانی هم پیشرفت بسزایی کرده و دارد دوشادوش آقایان جلو میرود. اغلب زنان دارند همگام آقایان، پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان و وکلای... خدمت می کنند. سوپا اتومبیل دورانگشت می چرخانند. سیگار هم می کشند و مشروب هم می خورند. خلاصه کامیاب تر و آزادتر از همیشه بطوریکه آدم از خوشی می میرد! اما اینجا ظاهر قصه است. کافی است لحظه ای این ماسک ها را کنار بزنید تا در پس آن چهره دردمند و تحقیر شده همه این زنان را ببینید و بحالشان دل بسوزانید.

نه نه چماق تکفیر بلند نکنید چون من نه تنها فمینیست نیستم بلکه معتقدم تمام زنانی که در سراسر جهان هوار هوار تساوی حقوق زن و مرد را می کشند وقت گذرانی کرده و خود را خسته می کنند. چرا که در زندگی زناشویی هم چون به اسم داد و ستدهای دیگر تاییدی حرف خود را بکرسی نشاندن معامله ای انجام نمی شود. بنابراین یکی ناگزیر باید کوتاه بیاید و لطفاً



## انسانها

انسانها چهار دسته اند:

کسی که میداند و میداند که میداند عاقل است: شما میتوانید با وی مشورت کنید.  
کسی که میداند و نمیداند که میداند فراموشکار است: بیادش بیاورید و نگذارید فراموش کند.

کسی که نمیداند و نمیداند که نمیداند ناآگاه است: او را تعلیم بدهید.

و کسی که نمیداند ولی تقاضا میکند دانستن میکند دیوانه است: باید از او حذر کرد.

میوهار هاپنینیم



نوشته اوژن یونسکو

### ترانه های فولکوریک (عامیانه)

یهودیان ایران ذوق سرشاری در ساختن ترانه های فولکوریک از خود نشان داده اند. این ترانه ها را اغلب در مجالس شادمانی، ختنه سوران و غیره با آهنگ خاصی می خوانند. مثلاً ترانه زیر همه جا با آهنگ مخصوص در جشن عروسی خوانده می شود:

شدی حاتان (داماد) مبارک باد  
هشم (خدا) پشت و پناحت باد  
طویل عمری همراهت باد  
بنیک نامی در ایسرائل  
ندا آمد که باموسی  
بگیر در دست تو این عصا  
برود مصر بکن نس ها (معجزه ها)  
برای قوم ایسرائل  
علم واری بلنند کن  
اگر زشتم بسنند کن  
اگر تلخم چوقندم کن  
میان جمع ایسرائل  
قدت چون سرو آزادست  
رخت چون مه خدا دادست  
چو یوسف شاخ شمشادست  
شوی جبار در ایسرائل  
شود عمرت چو بن عمران  
شوی دلشاد ز فرزندان  
چو یعقوب نبی بردان  
بگام دل در ایسرائل  
در این هفت روز تو آزادی  
ببزم و عیش بپرداز  
ولی خود را نیندازی  
زرسم و دین ایسرائل  
عروست گام دارت باد  
شود از غم دلت آزاد  
کنند کاشانه ات آباد  
بنیک نامی در ایسرائل

### قطعه ای از نمایشنامه کرگدن

ولی عجیب است! شبیه چیست؟ عکسها؟ اینها که هستند؟ آقای پایون، شاید هم دیزی؟ و این یکی آبیانارداست یا دودارد یاژان؟ یامن، شاید! بله، خودم رامی شناسم، این من است، من. ولی من زیبا نیستم. آنها زیبا نیستند. من اشتباه می کردم! آه که چقدر دلم می خواست مثل آنها بودم. من شاخ ندارم، افسوس! چقدر این پیشانی صاف زشت است. باید حداقل یک شاخ می داشتم تا پوست او بزبانم را بالا می برد. شاید خود بخود روی پیشانیم سبز شود، آنوقت من دیگر خجالت نخواهم کشید و می توانم به بقیه پیوندم. ولی نمی شود! دستهای نرم هستند، آیا زیر نخواهند شد؟ پوستم نرم است. آه، بدنم زیادی سفید است و برانمو. چقدر دلم می خواست پوستی سفت و بزرگ سبز آنها می داشتم، بدون مو، چقدر زیباست! آوازشان جذاب است، کمی گرفته، ولی جذاب. اگر می توانستم مانند آنها باشم، چقدر خوب بود! آه... برو... نه، نه، اینطور نیست! چقدر ضعیف است، چقدر کم قدرت... نمی توانم مثل آنها خرناس بکشم. فقط می توانم ناله کنم و ناله هایم به پای آنها نمی رسند. وجدانم خیلی ناراحت است، باید به موقع دنبالشان می رفتم، الان دیگر دیر شده! افسوس، به یک هیولا تبدیل شده ام، یک هیولا، افسوس، هرگز کرگدن نخواهم شد، هرگز، هرگز! دیگر نمی توانم عوض شوم. چقدر دلم می خواست، آنقدر دلم می خواست، ولی نمی توانم. دیگر نمی توانم خودم را در آینه نگاه کنم. خجالت می کشم. چقدر زشت هستم! وای بر کسی که خواهد اصل و نسب خود را حفظ کند! خوب به جهنم! او خودم در مقابل همه دنیا دفاع خواهم کرد! تفنگم، تفنگم! در مقابل همه دنیا، از خودم دفاع خواهم کرد! من آخرین انسان هستم، و انسان باقی خواهم ماند تا آخر! تسلیم نخواهم شد! ■

● الان کاملاً تنهامانده ام ولی تسلیم نخواهم شد. مرا گیر نخواهد آورد. دنبالتان نخواهم آمد، حرفتان را نمی فهمم! همانی که هستم باقی می مانم، من یک انسانم. یک انسان. همه امکانات از دست رفته و تقصیر من است... دیگر کسی نمانده (صدای کرگدن) از راهرو می آید) نمی خواهم صدایتان را بشنوم. بهتر است بنه در گوشه ای بگذارم. راه دیگری نمانده غیر از اینکه آنها را قانع کنم، قانع، به چه؟ آیا خسارات به آسانی جبران خواهند شد؟ جبران؟ کار کار هر کول است و از قدرت من خارج. قبل از هر چیز، برای قانع کردنشان باید با آنها صحبت کرد. برای صحبت کردن، باید زبان آنها را یاد بگیرم. یا اینکه آنها زبان مرا فریبگیرند؟ ولی من چه زبانی حرف می زنم؟ زبان من چیست؟ فرانسه؟ باید فرانسه باشد ولی فرانسه چیست؟ اگر دلمان بخواهد می توانیم آنرا فرانسه بنامیم. هیچکس نخواهد فهمید چون فقط من آنرا می دانم. من چه می گویم؟ آیا خودم حرفه ای رامی فهمم؟ اگر حق با آنها باشد آنوقت چه؟ انسان زشت نیست؟ انسان زشت نیست!



اگر دنبال آگاهی هستید:  
اولین قدم سکوت است.  
دومین قدم گوش کردن است.  
سومین قدم یادآوری است.  
چهارمین قدم بکارگیری است.  
پنجمین قدم آموزش به دیگران است.  
انسانی که دیگران را آموزش می دهد باید  
با خود استخفیر باشد.

تلمود



## نمایشگاه هنری شوفار

چه کسی؟



چه کسی دانا است؟  
آنکه از دیگران فرامیگیرد.

چه کسی قادر است؟  
آنکه بر شهواتش غالب میشود.

چه کسی متمول است؟  
آنکه به سهمش قانع است.

چه کسی قابل احترام است؟  
آنکه به همنوعش احترام میگذارد.

بن زوما



بر میتصوا چیست؟

دربین یهودیان، رسیدن به سن سیزده سالگی معنی خاصی دارد؛ رسیدن به مردانگی. یک پسر سیزده ساله در ضمن اینکه تمام دستورهای دینی را انجام می دهد، جزو مینیان برای انجام مراسم مذهبی نیز می شود. در زمان های گذشته، ورود یک مرد جوان به جامعه مذهبی و انجام وظایف دینی یک تحول طبیعی و عادی بود و با هیچ مراسم مذهبی بخصوصی جشن گرفته نمی شد. نوجوانان هر هفته به دعای رفتند تا به طریقه درست نماز و دعا و طرز قرار دادن سیستم روی دست و سر آشنا شوند. در زمان گذشته نوجوانی که به سن سیزده سالگی می رسید در یک روز دوشنبه و یا پنج شنبه برای درآوردن تورات از جایگاه خود خوانده میشد که در واقع اوج مراسم بود. اما امروزه، این واقعه به یک جشن مذهبی به نام بر میتصوا تبدیل شده است. وقتی پسر به این سن برسد، نزدیکترین شنبه به روز تولدش روزی است که برای این جشن انتخاب می شود. صبح این روز نوجوان در کنیسا قوانین و نمازهای خاصی را می خواند. پدری نیز دعای خیر می خواند و از خدای خود برای داشتن پسری که در زندگی با او رو کمکش باشد تشکر می کند. در بعضی مراسم، نوجوان ضمن سخنرانی کوتاهی از افراد خانواده و دوستان تشکر می کند و رقص و شادی شروع می شود. این جشن در حال حاضر یکی از مهمترین وقایع زندگی یک پسر نوجوان یهودی است.

اسامی هنرمندانی که تا این تاریخ آمادگی خود را برای شرکت در نمایشگاه هنری و نقاشی شوفار اعلام کرده اند:

خانم ها:

- ۱- شارونا آبرامز
- ۲- دانش بخش
- ۳- توران حکیم پور
- ۴- گلنار حکیم پور
- ۵- شهرزاد حکیم پور
- ۶- فریا خلیل منش
- ۷- جمیله سلیمانی
- ۸- ربه کا ستاره
- ۹- دولت ملمد (صدافت بور)
- ۱۰- مینو کونال
- ۱۱- نوشین طالعی
- ۱۲- مهنوش رهبر
- ۱۳- آرتا ربیع زاده
- ۱۴- ویدا حکیمی
- ۱۵- بی بی هارونیان
- ۱۶- لئا خرمیان
- ۱۷- نریا یونی
- ۱۸- لوتیز کهن
- ۱۹- طوبی کروبیان
- ۲۰- گیوسافندی
- ۲۱- ژاکلین شموتلیان

آقایان:

- ۱- هوشنگ برال
- ۲- آلبرت حکاکیان
- ۳- یوسف حکیم پور
- ۴- هوشنگ رفیع
- ۵- جکوب عبرانی
- ۶- کامران خاوریانی
- ۷- جکوب شبتای
- ۸- آلبرت دردشتی
- ۹- امیریان

• در پی اعلام تشکیل نمایشگاه هنری جوانان (نقاشی - طراحی - گرافیک - خط و مجسمه سازی) از طریق مجله شوفار تعداد زیادی از دوستان هنرمند ما بابت نام و اعلام آمادگی، همکاری خود را با آقای جیکوب شبتای سرپرست این برنامه آغاز کردند.

تا امروز ۳۰ هنرمند آماتور در زمینه های مختلف هنری به دعوت ما پاسخ مثبت دادند که نشانه استقبال بی نظیر دوستان شوفار است. این نمایشگاه هنری دوبار در دو محل مختلف و بفاصله کوتاهی از یکدیگر تشکیل خواهد شد.

اولین نمایشگاه روز ۱۶ آوریل ۱۹۸۳ در محل دانشگاه یو.سی.ال.ای. خواهد بود و دومین نمایشگاه همزمان با برگزاری نمایشگاه بزرگ هنری کنیسیای ساینای در ماه می ۱۹۸۳ در محل همین کنیسا برپا می شود.

آثار دوستان هنرمند مادرکنار آثار هنری هنرمندان امریکایی لوس آنجلس در یک نمایشگاه بسیار معتبر که از سوی هیأت مدیره کنیسیای ساینای برگزار می گردد به معرض نمایش گذارده می شود. نشریه شوفار و برگزارکنندگان «نمایشگاه هنری شوفار» از این حسن نیت و همکاری و همراهی هیأت مدیره کنیسیای ساینای در حمایت و ارائه آثار هنری ایرانیان هنرمند صمیمانه تشکر میکنند، و امیدوارند این اقدامات که در راه تحکیم روابط دوستانه بین جامعه ایرانیان و امریکایی ها برداشته می شود اثرات مطلوبی بیا آورد.

دوستان هنرمند دیگر که علاقه مند به شرکت در این نمایشگاه هستند می توانند با آقای جیکوب شبتای سرپرست این برنامه باتلفن های ۶۵۷-۱۱۰۰ و ۶۵۷-۱۶۳۳ تماس بگیرند ■



# سخنی با خوانندگان



ما حذف گردید.  
 • گروه زیادی برایمان حق اشتراک فرستادند که از همگی متشکریم.  
 • تعداد کثیردیگری که ما را مورد حمایت قرار دادند و قول مساعد پرداخت حق اشتراک را متذکر شدند کماکان شوفار برایشان ارسال می شود و ما در انتظار دریافت حق اشتراکشان هستیم. از این دوستان تقاضای کنیم هر چه زودتر با کمک مالی خود ما را در راهی که در پیش گرفته ایم همراهی کنند.  
 • برای تکمیل لیست پستی کمپیوتری خود احتیاج به شماره تلفن و نشانی های بیشتری داریم. تقاضای کنیم در این زمینه ما را یاری کنید. بوسیله نامه و یا تلفن با ما تماس بگیرید و شماره تلفن و نشانی خود و دوستانتان را که به شوفار و فدراسیون یهودیان ایرانی علاقه مند هستند در اختیارمان بگذارید.  
 دست پر محبت شما را صمیمانه می فشاریم.

بدنبال تقاضای کتبی گردانندگان نشریه شوفار از شما دوستان خواننده مبنی بر حمایت از این نشریه بوسیله پرداخت ۳۶ دلار حق عضویت فدراسیون و اشتراک شوفار در سال ۱۹۸۳ روی هم رفته بارأی اعتماد و استقبال گرمی از جانب شما مواجه شدیم که نیرو و توان بسیاری به ما داد.  
 تذکر چند نکته در اینجاست:  
 • تعداد دوازده نفر از دانشجویان و جوانان علاقه مند برای مانوشتند که این رقم برای آنها زیاد است و قادر به پرداخت آن نیستند در حالیکه بشدت علاقه به دریافت شوفار هستند. نشریه شوفار کماکان برای این دوستان ارجمنند ارسال می شود و امیدواریم هر زمان امکان مالی مناسبی برایشان دست داد ما را فراموش نکنند و در حد توان خود ما را یاری کنند.  
 • تعداد معدودی از دوستان بنا به عللی نخواستند شوفار برای آنها ارسال شود که با احترام به خواسته آنها نامشان از لیست پستی

## هم کیشان عزیز

# امسال عید پسخ را باشکوهی بیشتر

## و بخاطر هدفی والا تر

## جشن می گیریم

بمناسبت عید پسخ و بمنظور گردهم آوردن نوجوانان ایرانی در اردوی تابستانی امسال و آشنا کردن آنان با مابانی یهودیت روز شنبه ۱۲ مارچ ۱۹۸۳ از ساعت ۸ بعد از ظهر تا ۲ بامداد جشنی خانوادگی در محل کنیسای ولی بت شالم واقع در ونترابولوار، انسینو برگزار می گردد.

این جشن با همکاری همه سازمان های یهودی ایرانی مقیم کالیفرنیا ترتیب داده می شود و کلیه عواید آن صرف برگزاری اردوی تابستانی نوجوانان یهودی ایرانی خواهد شد.

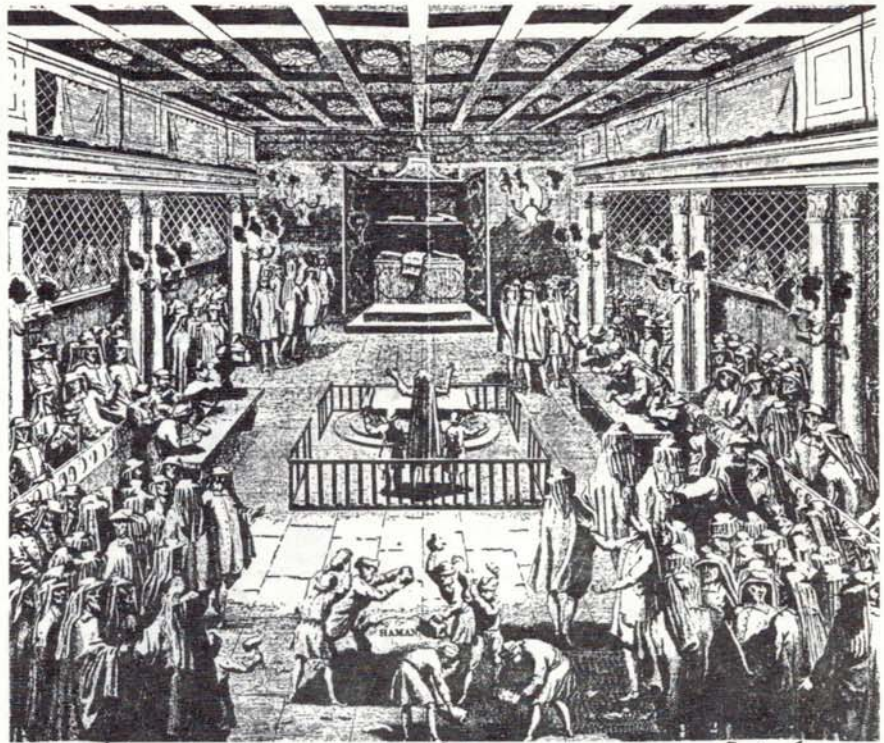
لطفاً برای تهیه بلیط با شماره تلفن های زیر تماس بگیرید:

دفتر بیمه خوبیان - اسحاقیان - ۵۰۱-۲۲۶۰  
 خانم مهین الیاسیان - ۳۴۲-۳۳۲۶  
 آقای الیاس اسفندی - ۲۷۵-۵۰۱۸  
 آقای مروتی (داون تاون) - ۷۴۹-۹۳۶۶  
 آقای یوسف حکیم (ونترابولوار) - ۷۸۴-۸۴۶۲  
 آقای روبن دخانیان - ۷۰۵-۳۴۴۶  
 آقای الیاس اسحاقیان - ۷۰۸-۰۹۹۹  
 آقای سرشار - (داون تاون) ۷۴۷-۸۲۱۱

دفتر شوفار - ۶۵۵-۷۷۳۰  
 دفتر کنیسای نصح اسرائیل - ۶۵۳-۷۰۴۹  
 دفتر کنیسای ولی - ۷۰۸-۸۴۲۸  
 دفتر سازمان سیامک - ۶۵۹-۷۳۴۴  
 سازمان بانوان خانم اختر حکیم - ۲۷۷-۵۲۶۳  
 سازمان فرهنگی آقای هارونیان - ۶۵۹-۸۸۲۲  
 وهمچنین:  
 شرکت کتاب - ۷۸۹-۰۵۵۸







پوریم در کنیسه‌ی آمستردام (قرن ۱۶) در وروده سالن کلیسا یادبودی از هامان ساخته بودند که جوانان با سنگ بر آن می کوفتند.

## پوریم و پیام آن

آذار دوازدهمین ماه در گاهنامه یهوداست.

در چهاردهم این ماه عید «پوریم» واقع می شود. این عید یادبود نجات ملت یهود در سرزمین پهنای امپراطوری هخامنشی در زمان سلطنت خشوروش (خشایار شاه یا بقول مورخین یونانی ارتخاشستا) از توطئه گروه بدخواهان برهبری هامان است. هامان برای نابودی جسمانی ملت یهود در دوازدهم ماه نisan بقال و قرعه می نشیند و قرعه بنام ماه آذار اصابت میکند، هامان این ماه را برای اجرای منظور شوم خود انتخاب میکند.

در زبان آگادی «پورو» بمعنی قرعه است که از ریشه طاس و طاس اندازی مشتق می شود و به همین دلیل این عید پوریم نام گذاری شده است. هر سال در شب و روز چهاردهم آذار ملت یهود در اقصی نقاط دنیا در کنیسه‌ها بدور هم جمع می شوند و با شادمانی و سرور وقایع پوریم و نقش بازیکنان اصلی آن:

مردخای و استر، هامان و زرش، خشایار شاه و وشتی را از روی طوماری که «مگیلای استر» نام دارد و جزویکی از سی و نه کتب کتاب مقدس است قرائت میکنند و ضمن شکرانه نجات اجداد خود از توطئه بدسگالان به

یکدیگر هدیه میدهند و وظیفه شرعی دارند تا سهمی نیز برای فقرا کنار بگذارند.

در مگیلای استر تنها کتابی از کتب مقدس است که همه رویدادهای آن در «گالوت» و بدون هیچگونه رابطه ای با ارض مقدس اتفاق افتاده است. امامد مگیلای پایدار ماندن این روز برای ابد صریحاً تاکید شده است: «این روزها را در هر دوره و نسلی، هر جمع و خانواده و در هر شهر و دیار و مملکت می باید بخاطر داشت و رعایت کرد. و این ایام پوریم از میان یهود منسوخ نشود و یادگار آنها از نسل آنها نابود نگردد.» (مگیلای استر ۹: ۲۸) و طبق مندرجات تلمود یروشلمی (مگیلای فصل اول هلاخای چهارم) اهمیت این کتاب آنچنان است که قرائت آن در کنیسه‌ها مانند قرائت تورا برای ابد باطل نخواهد شد. سوال اینست چرا مگیلایی که در آن نامی و ذکر ایلوئیت بطور مستقیم نیامده است می باید همپایه مقدسترین قسمت های تورات محسوب شود؟ محققان علمای مادیلی برای آن داشته اند.

ملت یهود در امپراطوری وسیع هخامنشیان از آزادیهای فردی و اجتماعی برخوردار بودند و دنیای آنروز هنوز «ضدسامی» را بصورت شکل یافته آن نمی شناخت. موقعیت استر بعنوان ملکه

ایران و مقام مردخای در دربار پادشاه، این اعتقاد کاذب را در آنها بوجود آورده بود که جامعه غیر یهودی آماده پذیرفتن آنهاست و یهودیان برای آنکه بتوانند محبوبتر شوند و بین جامعه کلی جذب شوند، حاضر بودند قوانین و سنت های یهودی را که مانع پیشرفت و ترقی فردی و اجتماعی خود می پنداشتند بر مذبح دروغین دوستی و مساوات قربانی کنند. اولین اقدام برای برکناری کامل تفاوت های اجتماعی شرکت در جشنهای کاخ سلطنتی و جشنهای مردمی بود.

جامعه یهود با شرکت در این ضیافتها و نشست و برخاست با دیگران و ویژه گیسهای مذهبی و اخلاقی خود را انکار کرد و با آلوده کرده روح خود، نقیصی اساسی در موقعیت رهبری روحانی خود در جهان بوجود آورد. اولین لغزش بدنبال خود لغزشها و شکستهای اخلاقی دیگری را بدنبال داشت. تنهایی مردخای و پیروان مکتب او بودند که گول ظاهر فریبنده تمدنی را که بر اساس دست آوردهای مادی وارضای خواهشهای جسمانی پایه گذاری شده بود نخوردند. هم او بود که حتی از احترام گزاردن به سمبل این فرهنگ و تمدن، یعنی هامان، دومین مقام در امپراطوری ایران امتناع ورزید. اما بزودی حقیقت بر رهبری یهودی نیز آشکار گردید. ملت یهود متوجه گردید که سعی و کوشش برای از دست دادن راه زندگی یهودی و هویت یهودی دارای نتایج معکوس بود. دشمن دیرینه او یعنی «عمالق» با سهولت توانست اجازه نابودی و فنا ی آنها را از پادشاه بگیرد. این حقیقت تلخ ضربه ای بس کوبنده برای ملت یهود بود، و چه خوب تلمود این حالت را توصیف میکند: «سپردن انگشتر پادشاهی (از طرف اشوروش به هامان) در متحد ساختن و به توبه نشستن ملت یهود از رسالت چهل و هشت نبی مرد و هفت نفر نبی زن برای ارشاد یهود، موثرتر بود.»

این واقعه ملت یهود را آگاه و بیدار کرد و بخود آورد و به آنها ثابت کرد که تا چه حد ناپایداری و عدم اطمینان بر سر نوشت یهودی که سعی دارد مانند سایر ملل باشد، حاکم است. این پیام مگیلای برای تمام نسل هاست و به همین دلیل قرائت مگیلای هرگز باطل نخواهد شد. هر سال مگیلای یادآور این مهم است که در زمان دگرگونی ها و ظهور نهضت های مختلف، تجدید وقایع پوریم امکان پذیر است. مگیلای به یهودی نشان میدهد که اضمحلال قومی راه حل درونی و برونی صحیحی برای او نیست. و بالاخره مگیلای مبین اینست که قدرت راستین ملت یهود در حفظ و رعایت قوانین تورات و سنت هانفته شده است.



## یهودیان خاورمیانه

### چشم بادامی ها هویت خود را بازمی یابند

#### یهودیان ژاپن:

ژاپن بعنوان یک سرزمین دوردست، بارها مورد توجه یهودیان قرار گرفته است، بخصوص مواقعی که یهودیان احساس خطری کردند و مورد کشتار قرار می گرفتند. در طول قرون گذشته، می توان کشتار یهودیان اسپانیا را ذکر کرد و در سالهای اخیر از کشتار یهودیان عراق و اروپای نازی نام برد. بزرگترین مهاجرت یهودیان به ژاپن در سالهای جنگ جهانی اول بود که بر اثر انقلاب بلشویک روسیه ۱۹۱۷ و سالها قبل از آن بر اساس انقلاب روسیه در سال ۱۹۰۵ آغاز شد. در این میان هزاران یهودی از روسیه فرار کردند و به چین و بالاخره به ژاپن پناهنده شدند و در سه شهر یوکوهاما، توکیو و کوبه مستقر گردیدند. در جنگ دوم جهانی بر اثر تبلیغات نازی بخصوص از این جهت که ژاپن با آلمان هم پیمان شده بود، این عده مورد تهدید قرار گرفتند و تعداد زیادی از آنان به ایالات متحده و امریکای لاتین مهاجرت کردند. در سال ۱۹۷۰ فقط هزار نفر یهودی در ژاپن باقی ماندند که اغلب در توکیو و یوکوهاما مستقر بودند. یهودیان ژاپنی در توکیو یک مرکز اجتماع یهودیان و یک کنیسادارند.

#### یهودیان چین:

تاریخ یهودیان چین بر مراتب قدمت بیشتری دارد. در قرن هشتم میلادی، اولین مهاجران یهودی به چین رفتند و درختن (ترکستان چین که در حال حاضر سینک یانگ نام دارد) سکنی گزیدند. اسنادی که از این جریان و نیز اسکان یهودیان در قرن سیزدهم (پس از بازدید مارکو پولو از چین) برجای مانده است، درموزه های معتبر جهان از جمله موزه سلطنتی اونتاریو نگهداری می شود. یهودیان چینی که از طریق جاده ابریشم،



چند سال پیش هنگامی که برای ادامه تحصیلات به کالیفرنیا جنوبی آمدم، یکروزد در صحن دانشگاه برخورد جالبی داشتم: یک دختر «چشم بادامی» را دیدم که گردنبندی از ستاره داود برگردن داشت... با خود گفتم: «مگر ممکنه؟» بی اختیار به او نزدیک شدم و پرسیدم: «می دونی این گردنبند چیه؟» یوکو با خنده ای زیرکانه به عبری دست و پا شکسته گفت: «بله، من یهودی هستم!» هنگامیکه باقیافه ناباور من رو بروشد، گفت: «می دونم که عجیبه ولی این داستان درازی داره... صحبت من آنقدر گرم شد که ناگهان متوجه شدم هر دوی ما کلاسمان را از دست داده ایم! یوکو دختر یک خانواده یهودی ژاپنی بود که به تازگی برای ادامه تحصیل به کالیفرنیا آمده بود. برخورد ما مقدمه ای شد برای آشنایی من با فصلی عجیب از زندگی پرفراز و نشیب یهودی.

#### تهیه و تنظیم: موریس رفیع

از ایران و هند به آسیای مرکزی سفر کردند و شهر کای فنگ در چهار صد مایلی جنوب پکن را برای اقامت انتخاب نمودند، بعدها در سایر شهرهای چین پراکنده شدند. در قرن سیزدهم و چهاردهم میلادی نیز در دوران سلسله یوان، حکام مغول که بر جهان آنروز مستقر بودند، یهودیان را از خاورمیانه به کشور خود آوردند تا به امور مالی و مالیاتی بپردازند. سالها بعد یهودیان بالاخره به امور مالی امپراطوری مغول سر و سامان بخشیدند و به این امپراطوری بزرگ درخششی بی نظیر دادند. در دولت آنروز برای امور اجتماعی یهودیان اداره مخصوصی تاسیس شده بود. ولی چندی نگذشت که یهودیان بخاطر مقامهای والایی که یافته بودند مورد خشم و غضب و حسادت چینی ها واقع شدند.

پس از سلسله مغول، سلسله مینگ روی کار آمد و یکی از اولین اقداماتشان قلع و قمع یهودیان بود. در نتیجه، یهودیان به گمنامی یا پنهان کردن مذهب خود پناه بردند و طی دو نسل ناپدید شدند. گروهی از یهودیان کای فنگ هم به ظاهر به روش کنفیوسیوس گرویدند. طی سه قرن سلطنت سلسله مینگ، پنهانی در کنیسیای خود به اجرای مراسم مذهبی خویش می پرداختند. تاریخ شناسان چین معتقدند در قرن نوزدهم میلادی، یهودیان کای فنگ از ثروتمندترین مردم این شهر بودند ولی بخاطر شدت عملی که از طرف سلسله چینگ به آنها روا می شد، این اقلیت مجدداً مذهب خود را به پشت درهای بسته بردند. اسنادی که درموزه کای فنگ باقی است، نشان میدهد که کنیسیای این شهر که در سال ۱۱۶۳ میلادی ساخته شده بود، دو بار بر اثر حریق وسیل از میان رفت و مردم این شهر باز هم به مرمت آن همت گماشتند. در سال ۱۸۵۲ سیل مخربی این کنیسیا را دوباره از بین برد و پس از آن یهودیان، مراسم خود را در مساجد یا کلیساهای کاتولیک بجا میآوردند (بدان علت که ملت چین یک ملت بت پرست بود و یهودیان، معابد بت پرستان را محل مناسبی برای اجرای مراسم خویش نمی دیدند).

در سالهای ۱۹۳۸-۴۱ بر اثر قتل عام هیتلری بین ۱۸ تا ۲۰ هزار یهودی در شانگهای ساکن شدند و در اواخر سال ۱۹۴۱ تعداد این عده به ۳۰ هزار نفر رسید که در شهرهای دیگر چین نیز اقامت گزیدند. بعد از جنگ دوم جهانی، این عده تحت شرایط طاقت فرسای زمان به کوچ دوباره پرداختند و در سراسر جهان پخش شدند. از جمله آنها می توان از بلومنتال یکی از وزرای کابینه جیمی کارتر که از شانگهای به ایالات متحده آمده نام برد.



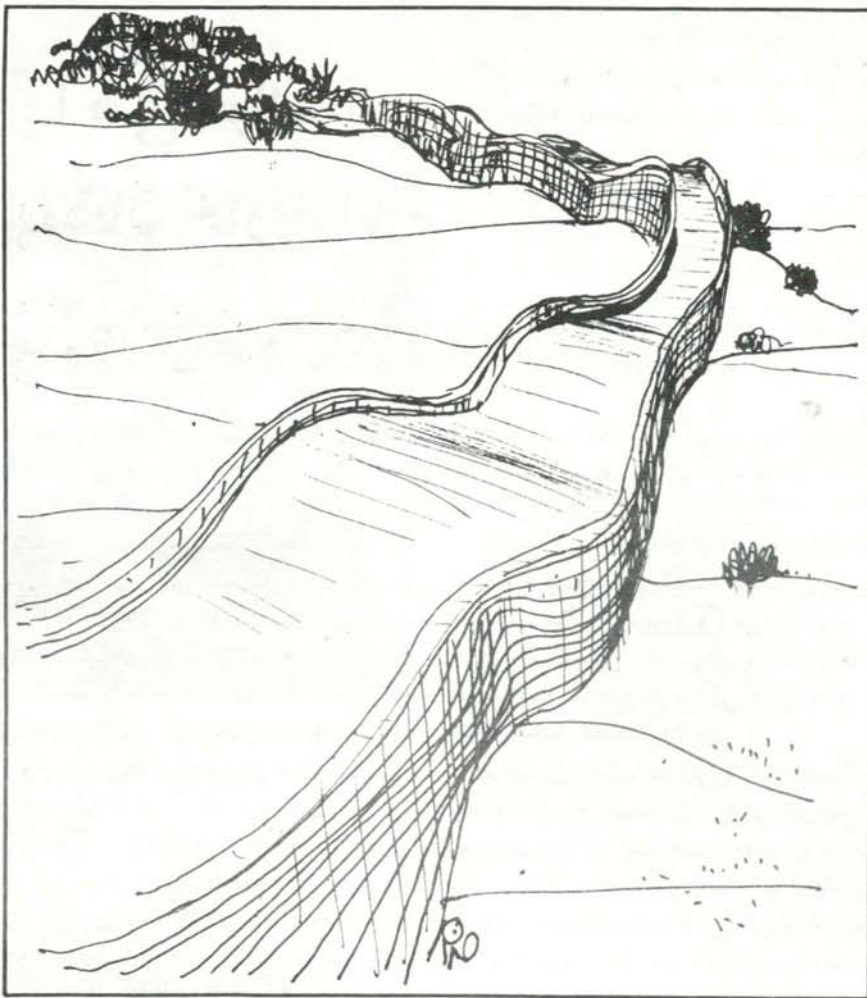
## در جستجوی ریشه های قومی:

در ۲۳ نوامبر سال گذشته، روزنامه لوس آنجلس تایمز مقاله ای در مورد یهودیان چین منتشر کرد که خلاصه ای از آن در اینجا ذکر می گردد:

مایکل پارکز گزارشگر لوس آنجلس تایمز از کال فنگ چین از زبان شای زانگ یو یک یهودی چینی می نویسد: خاطرات کودکیم بسیار محدود است. بیاد دارم پدرم یک کلاه آبی باشالی سفید رنگ برای دعا داشت. در اوایل بهار، نان بدون نمک و تخمیر نشده می خوردیم و اطراف چهارچوب درخانه را خون می مالیدیم. از سالهای اول زندگیم به یاد دارم که یهودی بودم و از این بابت با دیگران تفاوت داشتم.

یهودیان در این منطقه از چین تاریخ هزار ساله دارند و به تازگی اشتیاق زیادی بین آنها پیدا شده تا به جستجوی ریشه های قومی خویش که مخلوطی از عبرانی و چینی است، پردازند. پرفسور لی یویی که یک جامعه شناس چینی است و در حال حاضر در دانشگاه یو.سی. ال. ای. تدریس می کند، می گوید: من و دیگر یهودیان چینی در حال کشف ماهیت نژادی خود هستیم. قومی با چنین فرهنگ طولانی، آداب و رسوم پیچیده، مثل یهودیان چینی، نمی توانند از بین بروند. هر چند مادرم مدت یکصد و پنجاه سال گذشته خیلی چیزها از جمله کنیسی کای فنگ، آخرین ربای، درک زبان عبری و حتی روح یهودیت را از دست داده ایم ولی اغلب خانواده های یهودی که من می شناسم سعی داشته اند قسمتی از میراث خود را بعنوان یهودی چینی حفظ کنند. این میراث اغلب بصورت کشف فرهنگمان است نه اعتقادات مذهبی.

یک شیمیست ۵۵ ساله یهودی در تیان جین میگوید: «در بهترین مواقع، مایهودیان چینی رایبک واقعه تاریخی و در بدترین مواقع ماریبک عامل اجنبی و مضمحل قلمداد می کنند.» و اضافه می کند: «وقتی من خود را بیک یهودی چینی معرفی می کنم، احساس می کنم که این غنیمتی است بی همتا و میراثی است فنا ناپذیر که تمام هم ما بایدهم مرکز بر حفظ و حراست آن باشد.» گروه کوچکی از یهودیان چینی که همگی تحصیل کرده و صاحب مقامهای دولتی هستند، اخیراً در پکن گردهم می آیند تا تجارب خود را برای یکدیگر بازگو کنند. در بهار گذشته، این گروه بر سر سفره پسخ گرد آمدند و تصمیم گرفتند مطالعه عمیق تری در یهودیت آغاز کنند. یکی از افراد این گروه می گوید: فرزندان من قبلاً احساس می کردند ما انسانهای متفاوتی هستیم ولی در حال حاضر «می دانند» که



ما انسانهای خاصی هستیم!»

## بازیابی هویت:

در جولای ۱۹۸۲ در سرشماری چین، یهودیان این کشور تصمیم گرفتند خود را یهودی معرفی کنند ولی دولت چین کمونیست، این اقلیت را برسمیت نمی شناسد. بهر حال در حدود ۲۵۰ تا ۴۰۰ خانواده در دوشهر بزرگ چین، رسماً خود را یهودی معرفی می کنند. در حال حاضر بر اساس گفته های پرفسور لی، تعداد یهودیان چین از دوتا چهار هزار نفر است که علاقه به بازگویی علنی و خودشناسی در میان شان روز بروز قوت می گیرد. جین یکی از نویسندگان مجله ملی چین، چندی پیش بانوشتن مقاله ای تحت عنوان «من یک یهودی چینی هستم» سروصدای زیادی در این کشور برپا کرد. یک محقق اقتصاددان یهودی در سال گذشته، روزهای روش هشانا و کیپور را بطور علنی مرخصی گرفت (تابحال یهودیان چینی در این روزها به بهانه مرخصی از کار غیبت می کردند!)

یهودیان چینی به تازگی تصمیم گرفته اند

هر چه رابه یاد می آورند، از داستانهای پدرها و پدر بزرگها، تا خاطره ها و آداب و رسوم بر روی کاغذ بیاورند تا تاریخ شفاهی خود را بطور مدون در اختیار داشته باشند و گذشته قومی خود را که در حال نابودیست، نجات دهند. بزرگترین اختلاف ظاهری یهودیان چینی با سایرین، بینی بزرگ آنهاست که بصورت قابل ملاحظه ای باینی چینی تفاوت دارد!

هر ساله به هنگام جشن پسخ که مصادف با جشن سال نوی چینی است پدر خانواده به بازگویی تاریخ یهودیان و اهمیت پسخ پرداخته و می گوید «ما بعنوان یهودیان چینی باید بخاطر داشته باشیم که اجدادمان در دوران بسیار دور در سرزمین مصر برده بودند و بدرگاه خدای خود دعا کردند که آنها را آزاد کند... ما تمام مراسم پسخ رابه جای آوریم تا بدانیم که یهودی بوده ایم و در حال حاضر، هر چند که چینی هستیم، ولی هنوز یهودی باقی مانده ایم.»

در تهیه این مطلب از دائرة المعارف جودایکا و مقاله لوس آنجلس تایمز استفاده شده است.



# آیا می توان بدون گوشت زندگی کرد؟

دکتر نعمان نعمانیم روانشناس و متخصص تغذیه بدنبال چاپ مقاله « گیاهخواری در مذهب یهود تشویق شده است » بقلم راب داوید شوفط مطلب زیر برای ما ارسال داشته اند که بنظرتان میرسد:

و در حقیقت عامل اصلی بیماریهای قلبی و اسکروز عروق مغزی در کشورهای غرب تشخیص داده شده اند.

دلیل اصلی که طرفداران تغذیه با گوشت همیشه عنوان می کنند اینست که پروتئین حیوانی غالباً مرغوب تر و کامل تر از پروتئین گیاهی است. این حقیقتی است انکارناپذیر، اما مرغوبیت پروتئین بستگی کامل بمقدار عناصر تشکیل دهنده آن دارد.

پروتئین از ترکیبات ازتی تشکیل شده که ما آنها را بنام اسیدهای آمینه می شناسیم. رو بهمرفته ۲۲ اسید آمینه وجود دارد که ۸ تای آن اصلی است یعنی باید حتما در غذای روزانه ما وجود داشته باشند. این اسیدهای آمینه اصلی عبارتند از لیزین، متیونین، ایزولوسین، لوسین، فنیلالاتین، تریونین، تریپتوفان و والین. معمولا پروتئین حیوانی (گوشت، مرغ، ماهی) دارای تمام اسیدهای آمینه اصلی است. در حالیکه پروتئین گیاهی (گندم، جو، نخود، لوبیا، عدس و دیگر حبوبات) دچار کمبود مقداری یکی از امینواسیدهای اصلی است. مثلاً گندم (نان) دارای کمبود لیزین است و لوبیا کمبود متیونین دارد ولی وقتی این دو با هم خورده می شوند، هریک کمبود دیگری را تکمیل می کند. در نتیجه نان و لوبیای پخته تشکیل یک پروتئین کامل و مرغوب را می دهند که وقتی به نسبت درستی مصرف شود، مثل پروتئین گوشت سالم و مرغوب خواهد بود.

اگر به طرز تغذیه کشورهای متمدن قدیمی نظری بیاندازیم، می بینیم در مکزیک نان ذرت با لوبیا خورده می شود، در چین لوبیای سویا با ماکارونی (رشته) پخته و برنج با نان با خورشت لپه مصرف می شود. پس در تمام این غذاها پروتئین حبوبات و غلات با هم پروتئین کامل و مرغوب می سازند. در کشور خودمان آش های مختلف مثل آش رشته، آش جو، آش کشک، آش ماست و یا غذاهای

• در بین موادی که برای رشد و سلامتی کامل فرد لازم است پروتئین و نشاسته قسمت اعظم هر غذایی را تشکیل می دهد و دارای اهمیت خاصی است. این تصور که مواد گوشتی (مرغ، ماهی، گوشت گاو یا گوسفند) باید حتماً در غذای روزانه ما وجود داشته باشند وگرنه ما با خطر کمبود پروتئین مواجه خواهیم شد تصوری اشتباه است که حتی توسط بسیاری از اطباء نیز تایید می شود. غرض از نوشتن این مقاله توجیه این مسأله است که چگونه یک غذای گیاهی و بدون گوشت می تواند عملی ترین و سالم ترین نوع تغذیه باشد.

لازم است با چند حقیقت بیولوژیک برای فهم بیشتر این مسأله آشنایی پیدا کنیم. انرژی توسط خورشید به زمین وارد می شود و این انرژی توسط گیاهان و علوفه گرفته و منتشر می شود. علوفه توسط علف خواران مثل گاو، گوسفند و بز نشخوار شده و این علف خواران بنوبه خود توسط ما انسانهای گوشتخوار مصرف می شوند، در هر مرحله ای از این سیستم (انرژی خورشید - علوفه - علف خوار - گوشت) انرژی بهدر می رود یعنی اینکه ۹۰٪ انرژی غذایی مصرف شده توسط علف خوار یا انسان صرفاً برای ثابت نگهداشتن حرارت بدنش بکار میرود و فقط ۱۰٪ آن برای سوخت و ساز مورد استفاده قرار می گیرد. بنابراین در کشورهای غربی که میلیونها هکتار زمین زیر کشت ذرت، سویا، گندم و جو برای پرور کردن گاو و گوسفند بکار میرود، می بینیم که در مقابل هر ۲۱ کیلو پروتئین گیاهی (ذرت، سویا و جو) که به گاو و گوسفند برای پرور شدن داده میشود فقط یک کیلو پروتئین حیوانی (گوشت) بوزن آنها اضافه می شود و ماعلا فقط از ۱٪ انرژی خورشید بهره ور می گردیم. با این سیستم کشاورزی پروتئین های خوب گیاهی بهدر داده شده تا ما بتوانیم گوشت و چربی بیشتری تولید کنیم. موادی که از نظر غذایی مورد احتیاج نیستند

دیگری مثل اشکنه، نرگسی، بورانی وغیره همگی از حبوبات، غلات و سبزیجات استفاده می کنند که غذاهای کاملاً سالم و انرژی زا هستند.

بعضی مواد مثل پنیر، خشکبار، تخم مرغ، سویا نه تنها حاوی مقدار زیادتری پروتئین هستند بلکه از نظر پروتئین قابل استفاده در بدن غنی تر از گوشت بشمار می روند. مهم ترین نکته ای که باید در ترکیب مواد غذایی برای بدست آوردن پروتئین کامل و مرغوب بخاطر سیرد، نسبت و مقدار حبوبات و غلات با یکدیگر است. مثلاً برنج و حبوبات باید به نسبت یک فنجان (لوبیا، عدس، لپه خشک) در خورشت یا ۲/۳ و سه چهارم فنجان برنج خشک در پلو استفاده شود. نیم فنجان لوبیای خشک پس از پخته شدن به تنهایی حاوی پروتئین معادل ۱۹۰ گرم گوشت استیک است و ۴ فنجان برنج خشک حاوی پروتئین معادل ۲۰۵ گرم گوشت، ولی غذای پخته شده از نیم فنجان لوبیا و ۴ فنجان برنج با هم مصرف شوند ۴۳٪ پروتئین قابل استفاده در بدن افزایش پیدا کرده و مصرف آن دو یعنی لوبیا و برنج معادل ۵۳۰ گرم گوشت استیکی خواهد بود. به همین ترتیب مصرف برنج و شیر یا نان و پنیر با هم مقدار پروتئین قابل استفاده در بدن را تا ۲۹٪ بالا می برد اگر بخاطر آوری که ۳۰۰ گرم گوشت قادر است احتیاج پروتئینی روزانه یک شخص ۶۷ کیلویی را بر طرف کند از مقایسه بالا می توان حساب کرد که این مقدار پروتئین، را می توان با یک فنجان لوبیا و دو فنجان برنج بر طرف کرد که دارای همان مواد غذایی باشد ولی از نظر قیمت خیلی ارزان تر تمام خواهد شد.

حبوبات، غلات، خشکبار و سبزیجات که اساس غذاهای گیاهی را تشکیل می



## پیوند کلیه های سیامی به دومریض کلیوی



● تیم جراحان پیوند کلیه در بیمارستان بلین سون کلیه های سیامی (بهم چسبیده) مردی را که ۴۵ سال از سنش می گذشت و در اثر سکتته زندگی را بدرود گفت به دومریض کلیوی پیوند زدند و اکنون نزدیک به دو ماه از این عمل جراحی فوق العاده می گذرد و هر دو مریض به زندگی عادی خود ادامه می دهند. معهداً پزشکان معتقدند باید آنها تا شش ماه تحت نظر باشند اگر در این مدت عوارضی مشاهده نشود می توانند مادام العمر با همان یک کلیه بزنگی خود ادامه دهند. دهنده کلیه ها اساساً با دو کلیه بهم چسبیده بدنیا آمده بود و هر دو تماماً کار یک کلیه انجام می دادند. پزشکان جراح پس از فوت وی کلیه های بهم چسبیده را از بدنش خارج کردند و بعد از آنکه بوسیله تزریق مواد رنگی طبیی حدفاصل هر یک مشخص شد اقدام به تفکیک آنها از یکدیگر نمودند و با وصل هر یک از آنها به دستگاههای انتقال خون چندین آزمایش بیولوژیکی هم بعمل آوردند تا مطمئن شدند هر یک از کلیه ها به تنهایی کاری می کند.

جراحان ظرف مدت پنج ساعت عملیات جراحی کلیه ها را بر روی مریض کلیوی پیوند زدند. پروفیسور شیروسویدور رئیس بخش اورولوژی و پیوند کلیه بیمارستان بلین سون ضمن تجلیل از تیم پزشکی گفت این عمل برای اولین بار در اسرائیل انجام شده ولی در سایر کشورها سه بار سابقه داشته است ■

رژیم غذایی گیاهی انسان را خیلی ملایم تر و آرام تر خواهد کرد. فلسفه درست زندگی این نیست که ماهر چیزی را کور کورانه قبول کنیم یا همه چیز را ناآگاهانه رد کنیم، بلکه باید همه چیز را امتحان کرد. تغییر رژیم غذایی گوشتی به بدون گوشت ارزش یک چنین امتحانی را دارد. اگر موارد علمی، عملی و انسانی مسئله را نادیده بگیریم، جنبه اقتصادی مسئله بالاخره ایجاب خواهد کرد که تمام دنیا روزی گیاهخوار شود بدین خاطر که غذا با اندازه کافی دزدسترس همه قرار بگیرد و میلیونها نفر در سراسر جهان از گرسنگی تلف نشوند ■

دهند بدون شک از لحاظ مواد غذایی با گوشت برابری می کنند. متأسفانه بعلم عدم اطلاع کافی در بین ایرانی ها این فکر درهمگی پرورش داده شده است که گوشت یک لازمه غذایی است. در حالیکه میلیونها نفر گیاهخوار در سراسر جهان (این جانب مدت سه سال گیاهخوار کامل بودم) نشان داده اند که یک رژیم غذایی بدون گوشت سالم تر، انسانی تر و موثقتصدانه تر از رژیم غذایی مینی برکباب، استیک و شلیک است. درختانم لازم بیادآوری است که غذائاتی که روی شخصیت و رفتار و کردار انسان می گذارد. بطوریکه یک

بکاهد.

این روش خیلی ساده اخیراً در دانمارک شایع شده است و نتیجه مطالعه ۹ ماهه پزشکان آن کشور بشمار می رود. در اثر نتیجه مطلوب در حال حاضر این شیوه در کشور انگلستان و آلمان غربی، نیز در حال مطالعه است.

این روش بسیار ساده و جالب است: یک بالون توسط پزشک از راه دهان و مری فرد چاق رد می شود و پس از رسیدن به معده آنرا از هوا پر می کنند و به همان حال در معده باقی می گذارند. چون بالون مقداری از حجم معده را پر می کند بیمار می تواند به اندازه اشتهای خود غذا بخورد و پس از احساس پر شدن معده و سیری خود بخود از خوردن غذای زیاد امتناع و خودداری خواهد کرد. اگر فرد چاق بیش از حد معمول و لازم غذا بخورد احساس نامطبوع و پری معده خواهد کرد اما، از نظر آشامیدن مایعات محدودیتی در کار نیست.

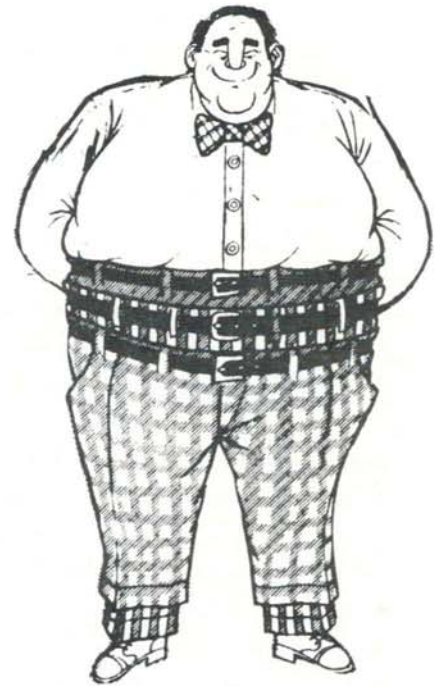
در این شیوه انتخاب نوع غذا محدودیتی ندارد و چون بیمار احساس سریع سیری و ارضاء می کند می تواند نوع غذای مورد دلخواه خود را انتخاب بکند. در واقع اساس این روش لاغری احتراز از زیاد خوردن و تشویق خوب خوردن و انتخاب بهتر است.

اگر بالون بدلیلی خالی و غیر قابل استفاده شود بدون هیچگونه ناراحتی می توان بالون دیگری را در معده جای داد. بالون تاموقعی که وزن با اندازه دلخواه برسد در معده باقی می ماند.

البته درمان تنها نزد افرادی که چاقی آنها توأم با هیچ عارضه دیگری نباشد قابل اجراست. با استفاده از درمان اخیر دیگر احتیاجی به روشهای خطرناک درمان ضد چاقی از قبیل استفاده از قرص، رژیم سخت و یا عمل جراحی از قبیل بای پاس روده ها نخواهد بود ■

## آخرین درمان چاقی

از: دکتر هوشنگ نورمند



● بدون رژیم، بدون دارو و بدون انجام هیچگونه عمل جراحی تنها با گذاشتن یک بالون پراز هوا داخل معده می توان از شر چاقی این بیماری پر عارضه خلاص شد و وزن خود را تا میزان دلخواه کم کرد.

خانم «آن» ۳۷ ساله متأهل و صاحب دوفرتزند که از کودکی از چاقی بیش از حد رنج می برد پس از سالها آزمایش و استفاده از رژیم های مختلف و عدم موفقیت در وزن کم کردن بالاخره با استفاده از روش پرکردن معده اش با هوا توانست ۵۷ پوند از وزنش در مدتی کمتر از ۸ ماه



خانواده تجاوز می کرد، یک محکمه قضایی عالی تر مرکب از بیست و سه نفر قاضی وجود داشت که به کلیه دعاوی حقوقی و جزایی رسیدگی می کرد. این دادگاه در صورت تقاضای یکی از طرفین دعوی در حکم دادگاه های سه نفری تجدید نظر می کرد.

ما فوق کلیه محاکم یهودی مجمع عالی هفتاد و یک نفری سه ندرین بود که هفتاد عضو یک رئیس داشت. این دادگاه علاوه بر وظایفی که قبلاً ذکر شد عهده دار حل و فصل اختلافات بین قبایل یهود نیز بود، و در صورت لزوم در حکم دادگاه های بیست و سه نفری هم تجدید نظر می کرد.

جلسات مجمع عالی سه ندرین مثل جلسات سایر محاکم یهودی علنی بود، قضات آن دائمی بودند و در مقابل خدمات خود هیچگونه ماهیانه و یا حق الزحمه ای دریافت نمی داشتند. انتصاب اعضا از روی لیاقت و کاردانی افراد انجام می شد و موروثی نبود.

قضات محاکم یهودی نمی بایست از بین منسوبین و حتی دوستان و یادشمنان یکی از طرفین دعوی انتخاب شوند و از دریافت هرنوع تحفه و یا هدیه ای بشدت منع می شدند. در تورات آمده است: «تو هدیه قبول نخواهی کرد زیرا تحفه و هدایا بصیرتترین افراد را کور می کند و حق را باطل می سازد.» قضات در اظهار نظر و صدور رای تابع دادگاه و یا هر مرجع دیگری نبودند بلکه همواره مکلف بودند پس از بررسی کامل و دقیق و با مراجعه به قوانین و استفاده از تجربیات خود شخصاً اظهار نظر کنند. طرفین دعوی مجاز بودند قضات و حتی محکمه را انتخاب کنند و از احتمال اعمال نفوذ بهر صورتی جلوگیری کنند.

کلیه شکایات و صورت جلسه محاکمات شفاهی بود و به عبارت دیگر هیچ گونه بیان ادعای نام و یا دفاع کتبی معمول نبود. هر فردی می توانست از حقوق خود شخصاً دفاع کند و یا فرد دیگری را به وکالت انتخاب نماید. مدعی شخصاً عهده دار بیان ادعای خود بود، به عبارت دیگر در حقوق بنی اسرائیل دادستان و یا هیچ مرجع مشابه دیگری وجود نداشت، اما قضات نقش دادستان و وکیل مدافع طرف دعوی را بنا به استنباط خود از جریان دادگاه بعهد داشتند.

شهادت افراد در کلیه مراحل مهم بود و به همین دلیل برای جلوگیری از شهادت دروغ مقررات جامعی وجود داشت. شهادت یک نفر سندیت قاطع نداشت و همچنین شهادت افراد صغیر معتبر نبود. شهادت دروغ بین یهودیان عمل بسیار پستی محسوب می شد و کسی که شهادت دروغ



تهیه و تنظیم: ادموند بنارش

قسمت آخر

## حقوق در بنی اسرائیل

شما و بیگانگانی که بین شما زندگی می کنند مجری خواهد بود.»

آئین دادرسی — دو قسمت دیگر از حقوق خصوصی عبارتست از آئین دادرسی مدنی یا اصول محاکمات حقوقی که از تشکیلات دادگاهها و طرز رسیدگی به شکایات مردم و نحوه صدور رای صحبت می کند و آئین دادرسی جزایی که از سازمان دادگاهها و طرز رسیدگی بدعاوی از جنبه جزایی گفتگومی کند.

ابتدائین دادرسی تصویب شده و مدونی بین یهودیان موجود نبود و اساس این قسمت از حقوق را فرامین دهگانه تشکیل می داد. آئین دادرسی قوم یهود بعدها بتدریج تدوین شد و مانیز اصول و رنوس مطالب آنرا بطور خلاصه ذکر می کنیم.

یهودیان در دادرسی ها معتقد به تعدد قضات بودند و بدوی ترین محاکم یهودی از سه قاضی تشکیل می شد. در مواردیکه اختلاف نظرهایی بین قضات بوجود می آمد آنها می توانستند دوتن دیگر را به جمع خود اضافه کرده پنج نفری به قضاوت و صدور حکم بپردازند. این محاکم به هردو نوع جرایم حقوقی و کیفری رسیدگی می کرد و مجازاتهایی که اعمال می شد عموماً از شلاق خوردن یا جرایم نقدی تجاوز نمی کرد. در شهرهای که جمعیت آن از یکصد و بیست

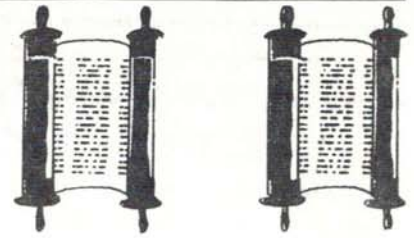
حقوق بین الملل خصوصی — از روابط بین افراد دولت بحث می کند. این قسمت از حقوق بنی اسرائیل به اندازه ای کامل و دقیق است که هنوز هم از نظر علم اجتماع و اصول حقوق جدید نمی توان ایرادی بر آن وارد دانست.

ملت یهود در بدو تشکیلی، بیگانگان را به سختی بین خود می پذیرفت و آنان را همواره دشمن می پنداشت، ولی هنگامی که خطر هجوم خارجیان تا اندازه ای مرتفع شد و یهودیان دریافتند که روابط آنها با همسایگان شان تثبیت شده است و یا کمتر تغییر خواهد کرد خارجیان را بدون هیچ قید و شرطی با آغوش باز در مملکت خود پذیرفتند. حقوق و منافع خارجیان در کشور اسرائیل کاملاً محفوظ بود. از جان و مال آنها مثل یهودیان حفاظت می شد و از سایر مزایای اجتماعی نیز برخوردار بودند.

خارجیان در تقسیم اراضی سهم دریافت می کردند و در صورت نیازمندی از تسهیلات کمک به فقرا بهره مند می شدند. بویژه یک دهم محصول سومین سال هر مزرعه ای بین بیگانگان نیازمند و یتیمان تقسیم می شد.

قانون حضرت موسی لزوم دوست داشتن و همسوی دانستن خارجی ها را توصیه کرده است و در تورات آمده است: «یک قانون واحد برای





می داد خوار و خفیف و حتی کافر شمرده می شد و در صورت اثبات به مجازات می رسید.

قضات هنگام صدور رای در مورد مجازات اعدام جلسه ای خصوصی تشکیل می دادند. رئیس در وسط می نشست و بقیه به ترتیب سن بصورت نیم دایره در طرفین او می نشستند بطوریکه در دو انتهای نیم دایره جوانترین قضات قرار می گرفتند. عقیده هر یک از قضات به ترتیب از جوانترین آنها یک به یک پرسیده می شد، رای دادگاه روی نظر اکثریت که هیچگاه کمتر از نصف بعلاوه دوتنبود صادر می شد. با وجود این رای صادره قطعی محسوب نمی گردید. حقوق بنی اسرائیل قضات را مکلف می داشت که پس از گذشت یک شبانه روز که طی آن مصرف مسکرات و داشتن روابط جنسی منع شده بود مجدداً اجتماع کنند، رای روز قبل خود را بررسی نموده در صورت لزوم در آن تجدید نظر کنند.

در حقوق بنی اسرائیل در مورد حکم اعدام نوعی مراجعه به آرای عمومی نیز متداول بود. محکوم همراه با مأمور مخصوص که مقام مذهبی داشت نزد مردم هدایت می شد تا در صورتیکه کسی مایل به دفاع از او باشد مجدداً به موضوع رسیدگی شود.

در بین یهودیان هر فردی می توانست کارهای خلاف قانونی را که مشاهده می کند گوشزد کند و همچنین پیشنهادهایی را که برای بهبود وضع جامعه و تنظیم قوانین اجتماعی مفید می دانست به مقامات صالحه تسلیم کند. آزادی عقیده و گفتار تا وقتی که نفع عمومی را تحت الشعاع منافع خصوصی قرار نمی داد و برخلاف اصول مذهبی نبود همواره مجاز و نامحدود بود.

در آخر اضافه می کنم با وجود قدمت فراوان هیچیک از قوانین قوم یهود برخلاف موازین عقلی و اخلاقی حقوق های جدید کشورهای مترقی نبوده است. اصول مسلم آزادی و برابری و برادری یعنی همان اصولی که بعدها پس از انقلاب ها و خونریزی ها و مبارزات زیاد مورد قبول جهانیان واقع شد در حقوق و تمدن قدیمی و بزرگ بنی اسرائیل بسرحد کمال مراعات می شد و مشهود است که مایه سر بلندی یهودیان است ■

## گزارشی از تهران

● بموجب گزارشی که اخیراً از تهران بدست ماریسید، در سال تحصیلی (۱۳۶۲ - ۱۳۶۱) جمعاً ۵۵۰۶ دانش آموز دختر و پسر در ۱۸ مدرسه ابتدائی و راهنمایی و دبیرستان یهودی تهران مشغول تحصیل هستند.

از بین این عده، ۲۷۸۳ دانش آموز یهودی و ۲۷۲۳ دانش آموز غیر یهودی هستند. مدارس که به علت کثرت دانش آموز غیر یهودی روزهای شنبه و اعیاد مذهبی یهودی باز میمانند عبارتند از: مدرسه پسرانه مخزن دانش (سلیمان حثیم) که دارای ۵۰ دانش آموز یهودی و ۴۰۰ دانش آموز غیر یهودی است؛ مدرسه راهنمایی دخترانه راه دانش با ۲۰ دانش آموز یهودی و ۴۰۰ دانش آموز غیر یهودی و مدرسه ابتدائی اتحاد (زرگریان) که ۷۰ دانش آموز یهودی و ۳۰۰ دانش آموز غیر یهودی دارد.

ضمناً مدرسه راهنمایی پسرانه اتحاد سه راه ژاله با ۱۱۴ دانش آموز یهودی و ۱۹۴ دانش آموز غیر یهودی، دبیرستان پسرانه اتحاد سه راه ژاله با داشتن ۱۴۰ دانش آموز یهودی و ۱۸۰ دانش آموز غیر یهودی، مدرسه ابتدائی اتحاد و راهنمایی پسرانه روحی شاد که دارای ۱۶۴ دانش آموز



یهودی و ۱۲۶ دانش آموز غیر یهودی و مدرسه ابتدایی پسرانه کورش با ۴۷ دانش آموز یهودی و ۲۸۰ دانش آموز غیر یهودی روزهای شنبه و سایر اعیاد مذهبی یهودی باز هستند ولی دانش آموزان یهودی آنها از رفتن به مدرسه در ایام مذکور معافند.

مدارس اتفاق که اینک شامل دبستان دخترانه، دوره راهنمایی دخترانه و دبیرستان دخترانه است جمعاً ۴۱۹ دانش آموز یهودی و ۴۰۴ دانش آموز غیر یهودی دارد و روزهای شنبه تعطیل هستند ■

## کاغذ و فشنگ



● در ایام جنگ دوم جهانی تنها در لندن ۳۵۰۰۰ دانش آموز انگلیسی بخانه ها می رفتند و کاغذهای باطله را از نامه های عاشقانه گرفته تا مجله و روزنامه های کهنه و قوطی های مقوایی جمع می کردند زیرا مصرف کاغذ در ایام جنگ برای ساختن مواد منفجره و سایر لوازم جنگی بسیار مهم بود. مثلاً از هر یک تن کاغذ باطله می توان ۱۵۰۰ قوطی جای گلوله توپ و ۴۷۰۰۰ جعبه فشنگ و ۴۷۰۰۰ ماسوره گلوله توپ و ۱۱۰۰۰ اجزای داخلی مین زمینی ساخت و آنچه بریده کاغذ نیز از خورده کردن اینها بدست آید برای ساختن مواد منفجره بکار میرود ■

## ضرب المثل های ایدیش

● انسان خوب احتیاج به توصیه ندارد، توصیه انسان بد را هم تغییر نمی دهد.

● مرد عاقل یک لغت می شود و دومین می فهمد.

● زمانی که پدر به پسرش می بخشد هر دو می خندند. هنگامی که پسر به پدرش می بخشد هر دو گریه می کنند.

● اگر سعی کنم مثل او باشم، چه کسی مثل من خواهد بود؟



## یادآوری

آئین یهود همواره از آنچه پیشینیانش کرده اند یاد می کند، بدون پنهان داشتن اشتباهات و گناهانشان تا یهودیان بدانند که پدران ما و قهرمان ملی ما مردان و زنانی میرا بوده اند و آنها نیز بخاطر اشتباهاتشان محکوم شدند هستند.

«نوسن یام»



دارند توصیه میکنم که پول هدیه را بصورت نقد به آنها بدهند تا بیشتر مورد مصرف قرار بگیرد و گیرنده هدیه با نظر خودش پول را بصرف خرید وسایل ضروری برساند.

ملک برخورداری



## تشکر از دو خواننده وفادار

در طول انتشار شوفار از آقایان صالح نیکو و مهندس ایرج صفایی چندین نامه مفصل حاوی پیشنهادهای، نکات، نظریات، راهنماییها و انتقادهای گوناگون داشتیم که همگی به نظر مسئولان هر قسمت رسیده است. باتشکر از این دو دوست و خواننده عزیز متذکر میشویم که یکایک نظریات آنها مورد دقت و توجه قرار گرفته است

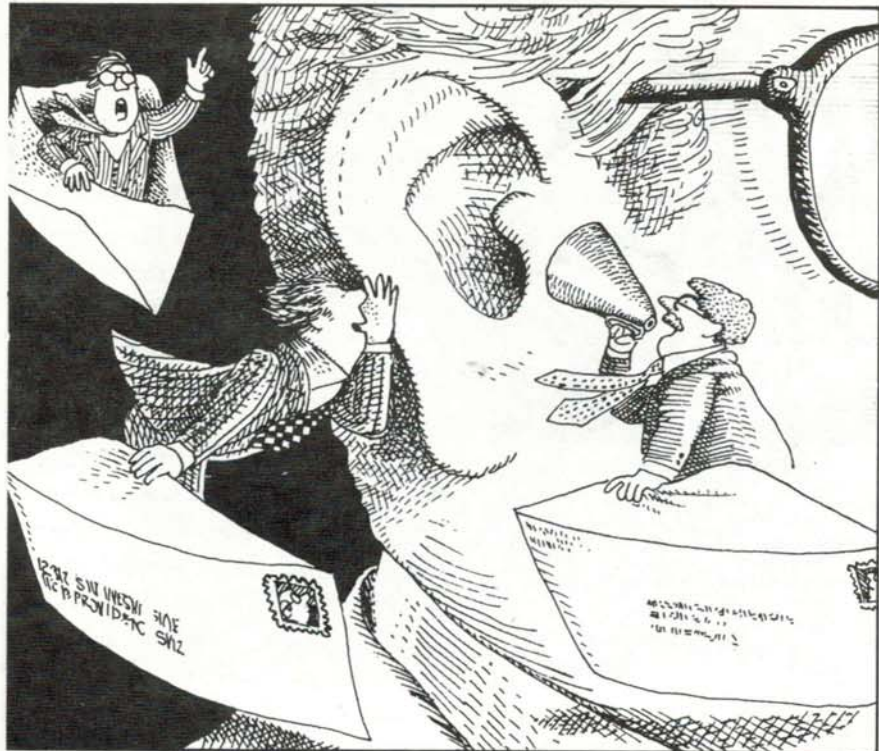
## درباره زندگی

من در عجب هستم از زندگی گیمان. در ایران که زندگی میکردیم خوشحال بودم. کارمان را با نیروی هر چه بهتر ادامه میدادیم. مردان در بیرون از خانه کار میکردند و برخی زنهای هم شاغل بودند و بقیه به اداره کردن منزل و نظارت بر بچه ها اشتغال داشتند. بچه ها بکودکستان میرفتند، بزرگترها به دبیرستان و جوانان به دانشکده یا به کارهای فنی و غیره می پرداختند. خلاصه هر کسی مسؤولیتی داشت. حالا هم گرچه همه چیز برای معاوض شده می توانیم خوب زندگی کنیم.

باید سعی کنیم که زندگی تازه ای برای خود بسازیم و به گفته «فرانکی» «آدامس» از این «دقایق خوب» بهره بگیریم. دقایقی که اگر از دست رفتند هیچ نیروی در روی زمین قادر نیست آنها را برگرداند.

باید سعی کنیم روحیه قوی خود را در هر شرایطی که هستیم حفظ کنیم چون از افسوس و ناراحتی چیزی حاصل نمی شود.

اشرف - خ



## ما و شما

### دوستان عزیز:

● توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظریات و نامه هایی اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.

تلفن تحریریه شوفار ۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده

است ■

رادر نامه خود تذکر بدهند. در صورتیکه انجام این تقاضا امکان پذیر نباشد از چاپ مطلب خودداری خواهد شد.



### قطعه ای از یک شعر

گشته ایم زار و گداز بفرخدا کن نظری  
مادل سوخته داریم خدایا خبری  
دل ما از غم دنیا نبود دست بری  
قسمتم بود به درگاه خدادربداری  
نصرت ساقیان



### تشکر و پیشنهاد

● از احیای متن الی که هر هفته برای ساکنان منطقه ولی تفسیرهای تورات را از زبان فارسی انجام میدهند سپاسگزارم. این جلسات بسیار مورد استفاده قرار میگیرند.  
● به کسانی که قصد خرید هدیه برای دوست، عروس و داماد و یا افراد خانواده

## قابل توجه خوانندگان

دوستانی که در نهایت لطف و مرحمت برای شوفار مطلب و مقاله می فرستند لطفاً باین نکات توجه فرمایند:

- \* از هر دوروی کاغذ برای نوشتن استفاده نکنید. یک روی آنرا خالی بگذارید.
- \* یک خط در میان بنویسید.
- \* لطفاً خوش خط و خوانا مرقوم بفرمائید و در صورت امکان مطلب را تاپ کنید.
- \* مقالات و مطالبی که به دفتر هیأت تحریریه می رسد متعلق به شوفار خواهد بود و در صورت لزوم تصحیح و تلخیص می شوند. اصل مطالب به صاحبان آنان مسترد نمی گردد. بهمین علت بهتر است فتوکپی نوشته خودتان را برای ما بفرستید. از چاپ مطالبی که با هدف کلی نشریه و موازین و اصول مورد قبول هیأت تحریریه مغایرت داشته باشد معذوریم.

کسانی که مایل نیستند نوشته هایشان مورد جرح و تعدیل و تلخیص یا تصحیح قرار بگیرد این نکته



## گالری آنتیک لوور

LOUVRE ANTIQUE GALLERY

### خریدار و فروشنده

نقره جات - آئینه شمدان - فرش های ایرانی  
آنتیک های اروپائی - تابلوهای عتیقه  
انقاشان معروف دنیا - مجسمه های برنز  
کلاسیک - لوستر و چلچراغ های آنتیک  
کمد های آنتیک فرانسوی

بامدیریت ایرانی

714 N. La Cienega Blvd.  
Los Angeles, Ca. 90069

(213) 652-5711 (213) 652-0249

## C.P.A.

حسابدار قسم خورده ایرانی

### الیزابت ارفع نیا



عضوانجمن حسابداران قسم خورده

آمریکا و کالیفرنیا

استاد حسابداری و قوانین مالیاتی

دردانشگاه کالیفرنیا

مشاور در امور سرمایه گذاری شرکتهای تجاری،

مالیات بردارآمد، ارث و دارائی

Charles F. Ward  
Certified Public Accountant

3465 Torrance Blvd. Suite L  
Torrance, Ca. 90503

تلفن ۱۳۷۷-۵۴۳ (۲۱۳)

### INNOVATIVE FINANCIAL GROUP



برای گرفتن هرگونه وام های

اول و دوم با بهترین شرایط

FIRST & SECOND  
TRUST DEED

بازرژ تماس بگیرید.

(213) 990-6671

(213) 708-0999

از: دکتر حبیب لوی

## چگونگی پیدایش زیارتگاه سارابت عاشر در لنجان اصفهان

واژه سارابت عاشر در شرفیاب بود داخل آن مکان گردید. در آنجا پیرمردی را دید که در اطاق نشسته کتاب می خواند از او پرسید تو که هستی و اینجا چه جایی است؟ پیرمرد جواب داد من یهودی هستم و این محل عبادتگاه و زیارتگاه یهودیان است. شاه پرسید آهوکجارت. یهودی جواب داد، آهوساراخاتون نوه حضرت بعقوب است که اینجا زیارتگاه او است. جواب یهودی روشن فکر در شاه تاثیر بسیاری کرد، بلافاصله به شهر باز گردید و حکم داد که شهر اصفهان و دهات اطراف آن را چراغان کنند و به وزرایش دستور داد که فردا یهودیان را بحضور بطلبید. صبح کدخدایان و رهبران یهود را بحضور بردند. سیمانطوب و شلمونامی رئیس جامعه نیشان و مردخای روسای روحانی، خداداد موسی عطار و سلیمان نامی هم که کدخدا بودند حضور یافتند.

چو دیدند شاه را از جای جستند تمامی دستها برسینه بستند دعا کردند بر شاه جهاندار بگفتند حق ترا باشد نگاهدار همیشه سرور و سردار باشی سردشمن به شمشیرت تراشی شاه بسیار خوشحال شد و گفت مترسید کلاه ابوالحسن را موقوف می دارم و شمارا سرفراز قوم کرده و یهودیان را نوازش خواهم داد. سپس دستور داد که به فوریت قاصدان روانه ولایات گشته برای تعمیر و توسعه این زیارتگاه اعانه جمع آوری کنند و دستور داد: «در آنجا در حق من از دعا گواهی نکنید، مخصوصا روزهای دوشنبه برای دعا کردن با دهان روزه در آنجا روید و بعد به حضور من شرفیاب شوید.»

یهودیان دلشاد شدند، هر روز دوشنبه با تورات به آنجا رفته و به حضور شاه باری یافتند و فرمان پذیرایی از ایشان داده می شد، شاه از تورات زیارت می کرد. روزی شاه به روح پدرش سوگند یاد کرد که دستور به سرگذاردن کلاه نوبی (کلاهی که ابوالحسن برای یهودیان مقرر داشته بود) را فو کند و به آنان آزادی عمل بیشتری بدهد (یهودیان مراسم مذهبی رامخفیانه بجا می آوردند).

کلاه از فرقتان برگیرم آخر نمایم مذهب موسی بظاهر همه گفتند شاهان بندگانیم برای صاحب خود جان فشانیم شاه عباس نمایندگان یهودی را مرخص نمود و فرمان الفای کلاه ابوالحسن را صادر کرد.

نوشت حکم چنین شاه جهاندار که سرگیرند همه مندیبل سرخدار و اجازه داد که یهودیان مانند مسلمانان مندیبل یا عامه بر سر گذارند ولی برنگ سرخ تا شناخته شوند یهودی هستند.

بدنبال چاپ مقاله سارابت عاشر در شرفیاب شماره ۶، محقق گرامی دکتر حبیب لوی شرحی در مورد این زیارتگاه و جنبه های تاریخی آن برای مجله شرفیاب ارسال داشتند که متن آن در اینجا بنظر تان می رسد.

در کتاب پیدایش (برشیت) باب ۴۶ آیه ۱۷ که صحبت از پسران عاشر فرزند حضرت بعقوب می نماید، ذکری هم از ساراخواهران آنها شده است، اما چون در تورات از قوت سازا سختی بیان نیامده لذا مفسرین تصور نموده اند که سارا نمرده است و اکثر توده های مومن یهودی این نظریه را پذیرفته اند.

برای آنکه بتوانیم راجع به چگونگی پیدایش زیارتگاه سارا بت عاشر در لنجان اصفهان آگاهی حاصل کنیم لازم است مقدمه ای را توضیح دهم. تیمور لنگ در سال ۱۳۸۰ میلادی برای بدست آوردن ثروت به ایران حمله کرد و در اصفهان تنها، ۷۰ هزار نفر را قتل عام نمود که البته بسیاری از یهودیان جزو آنها بودند. گذشته از این تلفات تیمور کشتارهای بخصوصی بر یهودیان ایران وارد ساخت، از جمله کشتار عمومی شهر لنجان در ۱۲ کیلومتری اصفهان. در این ناحیه قبرستانی متعلق به یهودیان وجود دارد که من شخصا سنگهای آنرا مطالعه و مشاهده کردم. تاریخ آنها اکثرا تا زمان ورود تیمور به اصفهان است و بعد متوقف گشته و بار دیگر از شصت سال اخیر که امنیت یهودیان در ایران روبه بهبودی گذاشت تجدید گردیده است.

قبرستان بزرگ مذکور، کنسای سارابت عاشر و ساختمان پیر بکران یا صفا (ایوان) تنها آثاری هستند که از این شهر یهودی نشین باقی مانده اند. وجود قبرستان لنجان و آن کنیسا باعث می شد که پس از تیمور، گاه بیگاه یکی از پیشوایان روحانی یهودیان اصفهان برای خواندن نماز (تقیلا) و مزامیر و تورات به آن کنیسا برود.

این رویه مدت چند قرن تا زمان شاه عباس اول (۱۵۸۳-۱۶۲۹) که بار دیگر یهودیان ایران در اثر عوامل گوناگون و دشمنی های ملامردخای لاری موسوم به ابوالحسن دچار تجاوزها و بدبختیهای گوناگون شدند ادامه داشت.

بابائی لطف شاعر و مورخ یهودی که تاریخ زمان شاه عباس را نوشته است درباره واقعه ای که در کنسای لنجان در عصر شاه عباس اول رخ داده مفصلا توضیح می دهد که در جلد سوم کتاب تاریخ یهود ایران تالیف این جانب نیز منعکس است. با استناد به این نوشته:

در سال ۱۶۱۶ میلادی مطابق با ۱۰۲۶ هجری، شاه عباس به شکارگاه خود در لنجان رفت و آهویی را دید و آنرا تعقیب کرد. آهوفرارکنان می رفت تا بنزدیک کنیسا رسید و داخل شد. شاه که تنها





## مرکز کاریابی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی  
درلوس آنجلس بزرگ

بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاریابی یهودیان امریکایی کماکان درصدد کمک به افراد جویای کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری از دوستان ایرانی جویای کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دو مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو ولی نام و نشانی و تخصص افراد جویای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیرانتفاعی می گذارد تا به معرفی افراد جویای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جویای کار را یاری می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس.اف.وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو ولی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرد مورد نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس.اف.وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری ما اینست که دوستان عزیز ایرانی ما مرکز کاریابی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همگامی و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود. ■

## انجمن ها و سازمانها

کنیسه نصح اسرائیل: ۶۵۳-۷۰۴۷ و ۶۵۳-۷۰۴۹

انتخابات هیأت مدیره کنیسه نصح اسرائیل انجام شد و افراد زیر انتخاب شدند: خانم های ایران پورات - فلورانس صدق - نعیمه صراف و آقایان پرویز اخوت - عنایت الله ابریشمی - احسان الله گیلانی - یوسف سلیمانی - بیژن یعقوب زاده - ابراهیم یاحید و نورالله نوروش.  
مدرسه نصح اسرائیل پیوستن نوجوانان زیر را به جامعه و برمیستوی آنان صمیمانه تبریک میگوید:

مانتی رادفر روز ۵ مارچ - پیمان رحمانی روز ۲۶ مارچ.  
انتخابات بود مدرسه نصح اسرائیل انجام شد و دکتر جلال دوستان بعنوان رئیس بود انتخاب گردید.  
مدرسه نصح اسرائیل برای ترم جدید ثبت نام میکند. علاوه بر کلاس فرهنگ عبری، کلاسهای رقص فولکلور، تعلیم پیانو و زبان فارسی نیز دایر خواهد شد. کلاسهای مخصوص تعلیم موسیقی باشیوه جدید نیز برای کودکان چهار تا شش ساله دایر است.  
برنامه های سخنرانی پنج شنبه شب ها کماکان توسط گروه جوانان و به سرپرستی بنیامین امین زاده ادامه دارد. ساعت شروع سخنرانی ۸/۳۰ شب در محل کنیسه بت جکوب خواهد بود.

دوستان ایرانی سیتی اف هوپ: ۲۷۷-۷۴۰۵ خانم عادل

جلسه هیأت مدیره دوستان ایرانی سیتی اف هوپ ساعت ۸ بعد از ظهر روز یازدهم ژانویه تشکیل گردید و آقای فرهاد حکمت عواید شب سیتی اف هوپ را که به همت خودشان برپا شده بود به این انجمن اهداء کردند.  
سومین بازدید از مرکز پزشکی و تحقیقاتی سیتی اف هوپ برای علاقه مندان فارسی زبان روز یکشنبه ۲۰ فوریه از ساعت ۱/۵ بعد از ظهر انجام می شود. مجمع عمومی بعدی ساعت ۸ بعد از ظهر پنج شنبه ۲۴ فوریه خواهد بود و سخنران این جلسه پرفسور رهبر محقق و استاد دانشمند است.

هیلت ایرانیان (سازمان دانشجویان و جوانان یهود) ۳۰۸۳-۱۰۸ زیلا یا بهزاد

برنامه های ماه فوریه این سازمان بقرار زیر است:  
یکشنبه ۶ فوریه - اسب سواری.  
شنبه ۱۲ فوریه - مجلس رقص و جشن دانشجویان.  
یکشنبه ۲۰ فوریه - بازدید از موزه پل گتی.  
یکشنبه ۲۷ فوریه - پیک نیک و بحث آزاد.

جوانان نصح اسرائیل بنی امین زاده ۵۱۱۲-۷۴۹

برنامه ها و سخنرانی های ماه فوریه این سازمان بقرار زیر است:  
۳ فوریه - بازدید از فیلم قتل عام سانامونیکا.  
۱۰ فوریه - سخنرانی ربای باتلر درباره «نکات مورد استفاده مصرف کنندگان مواد کاشر».  
۱۷ فوریه - تعلیم سی.پی.ار. ونحوه کمک رسانی اولیه توسط یکی از مربیان بورلی هیلز مدیکال سنتر.  
۲۴ فوریه - سخنرانی راب داوید شوفط درباره «فلسفه و رسوم پوریم».



# سمینار مشاغل آزاد

**تاریخ:** بیستم فوریه ۱۹۸۳، ۲ تا ۶ بعدازظهر.  
بیست و هفتم فوریه ۱۹۸۳، ۹ صبح تا ۱ بعدازظهر.

**محل برگزاری:** ۶۵۰۵ و یلشیر بلوار — Board Room

**سخنران:** هوارد گلدسمیت مشاور شغلی، نویسنده و استاد دانشگاه یو.سی.ال.ای.

**موضوع سخنرانی:** شیوه های موفقیت در مشاغل آزاد در کالیفرنیا.

**برگزارکنندگان:** فدراسیون یهودیان امریکایی/سرویس کاربری.  
فدراسیون یهودیان ایرانی.  
سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک).  
سازمان بانوان یهود ایرانی.  
انجمن نصح اسرائیل.  
انجمن یهودیان ایرانی مقیم ولی.  
انجمن فرهنگی ایرانیان

**تلفن های ثبت نام:** آقای روبن دخانیان ۷۰۵-۳۴۴۶  
خانم اختر حکیم ۲۷۷-۳۷۷۱  
خانم شهلا مسرت ۶۵۵-۷۷۳۰  
خانم مینولعلی ۶۵۹-۷۳۴۴  
خانم مزگان جدیدی ۸۴۲-۳۳۰۷

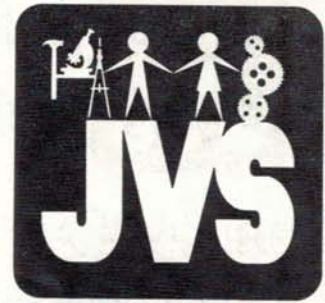
آخرین فرصت ثبت نام برای شرکت کنندگان سیزدهم فوریه ۱۹۸۳ است.

**آگاهی های لازم:** ورود برای عموم علاقه مندان آزاد است (مخارج برگزاری این سمینار توسط فدراسیون یهودیان امریکایی و شش سازمان دیگر ایرانی تامین شده است).

**پذیرائی:** چای و شیرینی.

**زبان:** سخنرانی به زبان انگلیسی خواهد بود و یک مترجم رئوس مطالب را به فارسی ترجمه خواهد کرد. آگاهی نسبی به زبان انگلیسی لازم است.

از علاقه مندان درخواست می شود در صورت تمایل به شرکت در سمینار در نظر داشته باشند که مسائل مورد بحث در هر دو جلسه بهم مربوط هستند و شرکت در هر دو جلسه پیاپی توصیه میگردد.



JEWISH VOCATIONAL SERVICE  
of LOS ANGELES  
L.A. 655-8910 S.F.V. 907-5506

**MECHANICAL ENGINEER, Bahman A:** B.S. from Northrop University. (Will take full or part-time work in dry cleaners store, if available). (LB)

**RECEPTIONIST/GENERAL OFFICE, Parvin F:** Skilled in English and Farci. Good typing skills. About 14 years experience. (LB)

**STATISTICIAN, Shooshaneh I:** B.A. - Statistics from Haifa University. Can also teach Hebrew. Speaks Hebrew, Persian and English. Will do reception work. (L.B.)

**ARCHITECT, Iraj F:** 20 years of experience, excellent portfolio, fluent English. (VS)

**STRUCTURAL/CIVIL ENGINEER Touraj M:** Experience in both Iran and Israel, willing to work as a drafter also. English is good. (VS)

**SHIPPING/RECEIVING, Molouk E:** Good references from Iran, hard and reliable worker, very flexible. (VS)

**ANY WORK, Siamak A:** Young and capable, excellent English. Willing to be trained. (MK)

**BOOKKEEPER, Nasser N:** Excellent English. Many years of experience. (MK)

**TYPING/CASHIERING, Minoos E:** English fair. (MK)

**KEYPUNCH/CLERICAL WORK, Esther K:** No typing but efficient and experienced. (GW)

**TELLER/CASHIER, Shahin S:** Part-time. (GW)

**HOSTESS, Houri R:** Hotel or restaurant. Reception or cashier work. (GW)

**SINGLE NEEDLE OPERATOR, Lily F:** Was a tailor and garment maker in Iran. No U.S. experience. English fair. (RB-SFV)

**COMPUTER MANAGEMENT, Mike N:** English good. Well presented, experience not local. Willing to learn. (RB-SFV)

**STOCK WORK, Mike D:** English good, young, well presented. Some U.S. work experience. Good attitude towards working. (RS-SFV)



## دیوید وگیلا خوانندگان اسرائیلی ایرانی الاصل در اولین فستیوال بین المللی آواز آمریکا



ساعت ۷/۵ روز ۲۶ فوریه ۱۹۸۳ اولین فستیوال بین المللی آواز در محل «شراین اودیتریوم» لوس آنجلس، در حضور متجاوز از هشت هزار نفر و با شرکت خوانندگان هفده کشور مختلف آغاز به کار می کند.

در این فستیوال هر خواننده یا گروه به نمایندگی از کشور خود با ارکستر سی و شش نفره این فستیوال آهنگی یا ترانه ای خواهد خواند و گروه داوران متشکل از مشاهیر موسیقی آمریکا و روسای شرکت های صفحه پرکنی برنده را تعیین خواهند کرد. جایزه اول این فستیوال ده هزار دلار پول نقد خواهد بود.

دیوید وگیلا خواهر و برادر هنرمند اسرائیلی ایرانی الاصل در این فستیوال آهنگ «توبیا» یکی از آثار خودشان را که شعر انگلیسی رویش گذاشته اند می خوانند. دیوید وگیلا که اخیراً کاستی از آهنگ های فارسی، عبری، انگلیسی و اسپانیولی خود را به بازار عرضه کرده اند بین ایرانیان و اسرائیلی ها و گروه زیادی از آمریکائیان لوس آنجلس از شهرت و محبوبیت خاصی برخوردار هستند و با توجه به اینکه دیوید بیش از شش وسیله موسیقی مختلف را می نوازد و آهنگساز و خواننده نیز هست و همینطور گیلا نیز ضمن خوانندگی

و آهنگسازی چندین وسیله موسیقی می نوازد برای هر دو آینده ای درخشان و پرموفقیت پیش بینی می شود. این زوج هنرمند تابحال ۲۰ شوی تلویزیونی و ۱۵۰۰ کنسرت در سراسر دنیا اجرا کرده اند که مهمترین آن کنسرتی بود که در سالن مشهور المپیا پاریس داشتند.

## وقایع تاریخی ومذهبی یهودی

ماه شواط ۵۷۴۳

(برابر با شنبه ۱۵ ژانویه تایکشنبه  
۱۳ فوریه ۱۹۸۳)

به موجب تقویم عبری ماه شواط دومین ماه از فصل زمستان به شمار می آید ولی در کشور اسرائیل ماه شواط دارای هوای صددردصد بهاری بوده و همه درختها شروع به جوانه زدن نموده و رشد خود را آغاز می نمایند. پانزدهم شواط: جشن درختان در اسرائیل که از دوران تلمود به بعد بنام «توبی شواط» و یا «روش هسانال ایلانوت» (بمعنی «سال نودرختان») معروف شده است - جشن «توبی شواط» به تدریج مبدل به یک جشن و سرور همگانی و عام گشته که خردوکلان در آن شرکت می کنند و به صورت مظهر رشد و نمو نیز آمیخته درآمده است.

در سرزمین اسرائیل نسل جوان بویژه همه دانش آموزان مدارس در این روز در دست و صحرای اجتماع نموده و ضمن رقص و پایکوبی و برگزاری مراسم بخصوص جشن، اقدام به کاشتن هزاران نهال از انواع درختان می نمایند.

در سایر کشورها، یهودیان جشن ایلانوت را همراه با خوردن انواع میوه ها، بخصوص آن گروه از میوه ها که همانند آنها در کشور اسرائیل نیز بعمل می آید برگزار می کنند.

یکشنبه ۳۰ شواط و دوشنبه اول آدار ۵۷۴۳ (برابر با ۱۳ و ۱۴ فوریه ۱۹۸۳).

دوروز اول روش خودش (ماه نو) آدار ۵۷۴۳، ماهی که وقایع زیادی در طول آن رخ داده و شرح مفصل آن را در شماره آینده از نظر خوانندگان عزیز شوفار خواهیم گذراند.

۵۲۰۰-۹۸۶ (۲۱۳)

16055 Ventura Blvd., Suite 600  
Encino, Ca. 91436

دفتر خدمات بیمه خوبان - اسحاقیان

راهنمای صدیق شمادر کلیه امور بیمه





# گلفروشی فلاورگرل

بامدیریت ایرانی

مشاوره رایگان

تحویل مجانی



## The FLOWER GIRL

گردآورنده زبباترین گلهای برای نامزدی، عروسی، برمیتنصوا، جشنهای خانوادگی،

هدیه به دوستان و یاهرنوع مناسبت دیگر

درخت های تزئینی، گلدان ودرخت های میوه

گلکاری منازل ومؤسسات تجارتی

گلفروشی فلاورگرل عضو  سفارشات گل شمارابه سراسر امریکا وسایر نقاط دنیا تلفنی می پذیرد.

تلفن ۷۵۳۰-۷۶۹ (۲۱۳)

بارائه این برگ ۱۰ درصد تخفیف داده خواهدشد.

آدرس: 12506 Riverside Dr. مابین Coldwater Canyon و Laurel Canyon

درمنطقه ولی (بافاصله ۱۰ دقیقه بابورلی هیلز)



# UNISOURCE شرکت

باسابقه چندین ساله در امور ساختمانی ونوسازی خدمات خود را به شرح زیر اعلام می دارد.

THE UNISOURCE COMPANY, INC.

1100 Glendon Avenue, Suite 2033  
P.O. Box 241530  
Los Angeles 90024  
(213) 824-1112



UNISOURCE CO. INC.



★ رنگریزی

داخل ساختمان  
خارج ساختمان  
شستوی خارج ساختمان

★ نمای ساختمان  
استاکو  
چوب  
انواع رونمای ساختمان



★ موکت

نصب  
شستو

★ آجرکاری

پاسو  
پیاده رو  
زیرزمین



★ باغبانی و طراحی حیاط

چمن  
درخت  
کود  
سیستم آبیاری  
چوبهای تزئینی  
مشاوره

★ لوله کشی

وان  
دوش  
توالت  
دستشویی  
فاضل آب



★ سیم کشی

مسکونی  
تجارتی

★ خاکبرداری

خاکریزی  
حمل ونقل

★ سرویس آسانسور

سرویس و نگهداری ماهانه



★ حمام

دوش نوسازی  
کاشی  
وان  
لوازم تزئینی  
کابینت

★ زرده کشی

چوبی  
آهنی

★ کف پوش

سرامیک  
لینولیم  
پارکت

★ عایق بندی

دیوارها  
سقف  
کف

★ گاراژ

نوسازی  
درب اتوماتیک

★ بتون

بتون ریزی  
پی ساختمان  
خیابان بندی گاراژ



★ ترمیم پشت بام



★ گچ کاری

★ شوفاز و تهویه مطبوع

★ آشپزخانه نوسازی

کابینت  
لوازم آشپزخانه  
دستشویی

برای برآورد رایگان با تلفن ۲۴ ساعته ۱۱۱۲-۸۲۴ تماس حاصل فرمایید.

REQUESTED:

ADDRESS CORRECTION

Los Angeles, Ca. 90048  
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101  
IRANIAN JEWISH FEDERATION

SHOFAR

U.S. POSTAGE PAID

BULK RATE

BEVERLY HILLS, CA.  
PERMIT 1567